به نام خدا

# پیام های رهبری به حاج قاسم سلیمانی

**منزل شهید**

**نترسیدن در راه انجام وظیفه**

حاج قاسم صد بار در معرض شهادت قرار گرفته بود. در راه خدا، در راه انجام وظیفه، در راه جهاد فی‌سبیل‌اللّه پروا نداشت؛ از هیچ چیز پروا نداشت

**جهادگری در راه جهاد عظیم**

جهادش جهاد بزرگی بود، خدای متعال شهادت او را هم شهادت بزرگی قرار داد؛ ان‌شاءاللّه امیدواریم که خداوند درجاتش را عالی کند و آن نعمت عظیمی که شامل حال او شد، بر او گوارا باشد که حقّش بود و شایسته‌ی این نعمت بزرگ بود.

**اخلاص ( راز به دست آوردن دل ها)**

همه‌ی مردم عزادارند یعنی احساس عزاداری میکنند؛ بدانید که مردم قدر پدر شما را دانستند و این ناشی از اخلاص است؛ این اخلاص است. اگر اخلاص نباشد، این جور دلهای مردم متوجّه نمیشود؛ دلها دست خدا است؛ این که دلها این جور همه متوجّه میشوند، نشان‌دهنده‌ی این است که یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت، مرد بزرگی بود.

ذوالفقار

بسم الله الرّحمن الرّحیم

**مخلصا لله بودن**

**توفیق جهاد پیدا کردن**

مجاهدتهای در راه خدا با این چیزها قابل مقابله و قابل جبران نیست. خدای متعال میفرماید: [«إِنَّ اللهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ أَنفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللهِ فَیَقْتُلُونَ وَ یُقْتَلُونَ»](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=9&npt=7&aya=111#74966)(۲) آنچه در برابر مجاهدت در راه خدا وجود دارد و خدای متعال در مقابل تقدیم کردن و روی دست گرفتن جان و مال در راه خدا قرار داده، بهشت است، رضای خدا است. آن چیزهایی که در دست و بال ما است -چه تشکّر زبانی‌مان، چه تشکّر عملی‌مان، چه نشانمان، چه درجه‌ای که میدهیم- چیزهایی است که بر حسب محاسبات مادّیِ دنیایی قابل ذکر است امّا بر حسب محاسبات معنوی و الهی قابل ذکر نیست. الحمدلله همه‌ی شماها این مجاهدتها را کردید، تلاش کردید. الحمدلله خدای متعال به این برادر بسیار عزیزمان -آقای سلیمانی- هم توفیق داده. ایشان بارها، بارها، بارها جان خودشان را در معرض تهاجم دشمن قرار داده‌اند، در راه خدا، برای خدا و مخلصاً لِلّه؛ و مجاهدت کرده‌اند.

**دعای ولی برای شهادت ایشان**

ان‌شاءالله خدای متعال به ایشان اجر بدهد و تفضّل کند و زندگی ایشان را با سعادت، و عاقبت ایشان را با شهادت قرار بدهد، البتّه نه حالا. هنوز سالها جمهوری اسلامی با ایشان کار دارد. امّا بالاخره آخرش ان‌شاءالله شهادت باشد. ان‌شاءالله مبارکتان باشد. این نشان ذوالفقار را هم حالا ما به ایشان تقدیم میکنیم؛ ان‌شاءالله مبارکتان باشد.(۴) خداوند ان‌شاءالله که شما را در این راه مجاهدت همواره موفّق بدارد؛ به ما هم توفیق بدهد که در راه خدا مجاهدت کنیم، تلاش کنیم. ان‌شاءالله موفّق باشید.

۱) صلوات حضّار

۲) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۱۱۱: «درحقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است؛ همان کسانی که در راه خدا میجنگند و میکُشند و کشته میشوند. ...»

۳) اعطای نشان از سوی رهبر معظّم انقلاب اسلامی

**شهادت**

بسم الله الرحمن الرحیم

ملّت عزیز ایران!

**آرزوی شهادت سردار**

**جهاد با شیاطین**

**شهید شدن به دست شقی ترین افراد**

سردار بزرگ و پرافتخار اسلام آسمانی شد. دیشب ارواح طیّبه‌ی شهیدان، روح مطهّر قاسم سلیمانی را در آغوش گرفتند. سالها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدانهای مبارزه با شیاطین و اشرار عالم و سالها آرزوی شهادت در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام والا رسانید و خون پاک او به دست شقی‌ترین آحاد بشر بر زمین ریخت

**تربیت شده مکتب امام خمینی**

این شهادت بزرگ را به پیشگاه حضرت بقیّة‌الله‌ ارواحنا فداه و به روح مطهّر خود او تبریک و به ملّت ایران تسلیت عرض میکنم. او نمونه‌ی برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود، او همه‌ی عمر خود را به جهاد در راه خدا گذرانید.

**شهادت پاداش جهاد سالیان سال سردار**

شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه‌ی او در همه‌ی این سالیان بود، با رفتن او به حول و قوّه‌ی الهی کار او و راه او متوقّف و بسته نخواهد شد، ولی انتقام سختی در انتظار جنایتکارانی است که دست پلید خود را به خون او و دیگر شهدای حادثه‌ی دیشب آلودند.

**چهره ی بین المللی مقاومت**

**ادامه با انگیزه مقاومت بعد از او**

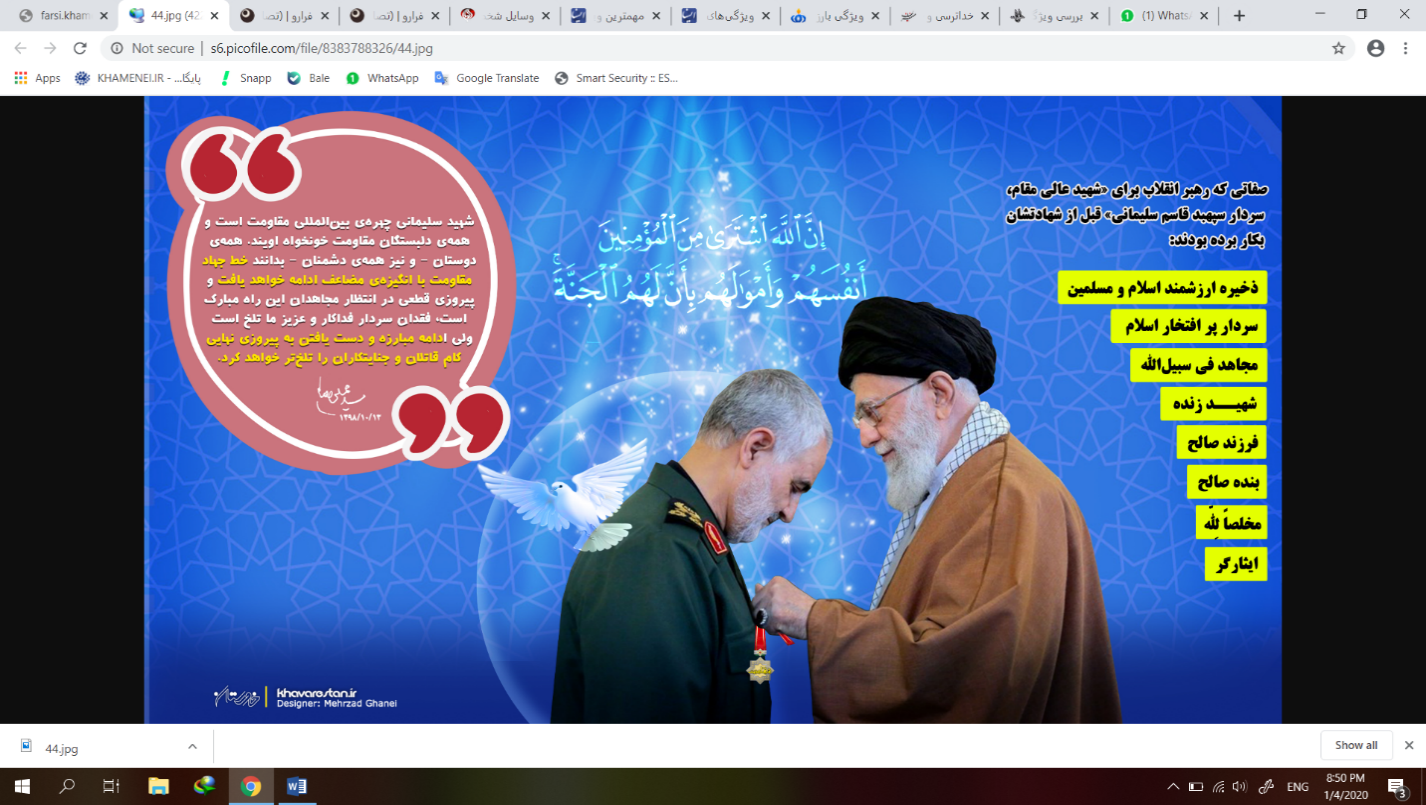
**فقدان تلخ مجاهد بزرگ**

شهید سلیمانی چهره‌ی بین‌المللی مقاومت است و همه‌ی دلبستگان مقاومت خونخواه اویند. همه‌ی دوستان -‌و نیز همه‌ی دشمنان- بدانند خطّ جهاد مقاومت با انگیزه‌ی مضاعف ادامه خواهد یافت و پیروزی قطعی در انتظار مجاهدان این راه مبارک است. فقدان سردار فداکار و عزیز ما تلخ است ولی ادامه‌ی مبارزه و دست یافتن به پیروزی نهایی کام قاتلان و جنایتکاران را تلخ‌تر خواهد کرد.

**وظیفه بزرگداشت این شهید بزرگ**

ملّت ایران یاد و نام شهید عالی‌مقام سردار سپهبد قاسم سلیمانی و شهدای همراه او بویژه مجاهد بزرگ اسلام جناب آقای ابومهدی المهندس را بزرگ خواهد داشت و اینجانب سه روز عزای عمومی در کشور اعلام میکنم و به همسر گرامی و فرزندان عزیز و دیگر بستگان ایشان تبریک و تسلیت میگویم.

سیّدعلی خامنه‌ای  
۱۳دی‌ماه ۱۳۹۸

قاسم سلیمانی

**\*\* حاج قاسم شهید زنده است**

**\*\*حاج قاسم ایثارگر است**

امروز در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، علمی، فناوری و فعالیت‌های بین‌الملل، کشور ایران پیشرفت‌های بسیار زیادی کرده. این را به شما عرض کنم؛ پیشرفت ما نسبت به همسانانِ ما بسیار بیشتر و جلوتر است. ما خیلی پیشرفت کرده‌ایم؛ اما این پیشرفت‌ها مرهون آن دفاع‌ها و مجاهدت‌هاست. ملت ایران با همه‌ی وجود مرهون تلاش و مجاهدت این ایثارگران است؛ چه ایثارگرانی که شهید شدند، چه ایثارگرانی که شهید دادند - مثل شماها - چه ایثارگرانی که جانباز شدند، چه ایثارگرانی که زندگی دشوار جانبازی را برای عزیزان خودشان تحمل کردند - پدران اینها، مادران اینها، همسران اینها - چه آنهایی که در بند دشمن جبارِ جرّار اسیر شدند و پدر و مادرها لحظه‌لحظه‌ی دوران اسارت را با خون دل تحمل کردند، و چه آنهایی که از اسارت برنگشتند و در همان‌جا شهید شدند؛ و چه آنهایی که به جبهه‌های جنگ رفتند و خطر را پذیرفتند و جان خودشان را کف دست گرفتند و همه‌ی نیروی خودشان را صرف کردند، اما خدای متعال خواست اینها زنده بمانند و برکاتشان برای کشورشان و دنیای اسلام ادامه پیدا کند. **سردار سلیمانی هم ایثارگر است - او هم یک شهید است -** سردار رئوفی هم همین‌طور؛ سردار احمدیان هم همین‌طور. این سرداران، شهید زنده‌اند؛ به شرطی که این راه را ادامه دهند. البته این شرط و شروط برای همه است.

*\*بیانات در دیدار مردم کرمان- سال ۱۳۸۴*

**ساختن تصویر جبهه بین المللی مقاومت**

**\*\* تغییر دیدگاه یک عراقی به ایران با دیدن حاج قاسم**

آن خانم دکتر عراقی، به این دوست ما گفته بود که من سفر اوّل و دوّمی که آمدم ایران -بعد از رفتن صدّام- به هر ایرانی‌ای که میرسیدم، خیال میکردم که این [شخص‌]، دو برادر من را که در جنگ کشته شده‌اند، کشته [است‌]، با این چشم نگاه میکردم. و بغض داشتم -حالا دنباله‌ی حرفش هم این است- تا اینکه «سلیمانی»(۱۰) را دیدم. وقتی دیدم سلیمانی آمده و این‌جور فداکاری دارد میکند، قضیّه برعکس شد.

*\*بیانات در دیدار شاعران*

**\*\* پیام‌های تسلیت رهبر انقلاب به حاج قاسم**

**فرزند صالح**

**حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیام‌های تسلیت خود برای درگذشت پدر و مادر سردار سلیمانی نیز، زحمات و خدمات وی به اسلام و مسلمین را ذخیره‌ای ارزشمند برشمرد.**

*متن پیام‌های رهبر انقلاب برای درگذشت پدر و مادر حاج قاسم به شرح زیر است:*

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

سردار سرافراز جناب آقای حاج قاسم سلیمانی دام توفیقه

درگذشت پدر بزرگوارتان مرحوم حاج حسن سلیمانی را به جنابعالی و دیگر بازماندگان آن مرحوم تسلیت عرض می‌کنم و از خداوند متعال رحمت و مغفرت و علو درجات برای ایشان مسألت می‌کنم و **امیدوارم که حسنات ناشی از تربیت فرزندان صالح در نامه‌ی عمل آن مرحوم نوشته شود.**

پیام تسلیت در پی درگذشت مادر سردار سرلشگر سلیمانی

سردار سرلشکر قاسم سلیمانی درگذشت مادر گرامیتان را به شما و دیگر بازماندگان آن مرحومه تسلیت میگویم. **زحمات و خدمات ارزشمند جنابعالی به اسلام و مسلمین، بیشک ذخیره‌ی ارزشمندی است در دیوان عدل الهی، برای مادری که چنین فرزندی را در دامان خود تربیت کرده است.** رحمت و مغفرت الهی را برای آن مرحومه از خداوند متعال مسألت میکنم

# تحلیل های سایت آقا

مبارزه با آمریکا محور حرکت حاج قاسم

اساس انقلاب مبارزه با استکبار جهانی

«شقی‌ترین آحاد بشر بر زمین» سردار بزرگ و پرافتخار اسلام، سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس و جمعی از یارانش را به شهادت رساندند «ولی انتقام سختی در انتظار جنایتکارانی است که دست پلید خود را به خون او و دیگر شهدای حادثه‌ی دیشب آلودند». «جهاد و شهادت‌، دو فصل بزرگ حرکت بسیجى است.»(۸۴/۶/۲) و «کسى که در راه خدا به شهادت‌ میرسد، بزرگ‌ترین شاکر خدا براى این حادثه، خود اوست؛ زیرا که چنین نعمت بزرگى را خداى متعال به او داده است.»(۷۸/۳/۳)

«یک ملت، اگر معناى‌ شهادت را فهمید و دانست که براى آرمان‌ها چگونه مى‌شود رفت و جان فدا کرد، آن وقت مى‌تواند بى‌دغدغه و با استقلال زندگى کند؛ زیرا مرگ دیگر مانعى برایش نیست. اگر جز این باشد، دشمن او را از مرگ خواهد ترساند و مثل بعضى از کشورها، بعضى از دولتها و بعضى از ملتهایى خواهد شد که در مقابل دشمنان، ضعف نفس نشان مى‌دهند.»(۷۵/۲/۲۶) آن افلاکیان خاکی در آغوش نورانی ارواح طیّبه‌ی شهیدان آرمیدند امّا «جهادِ مقاومت ادامه دارد».

می‌دانیم که: «انقلاب اسلامی اساساً علیه آمریکا بود.»(۹۸/۸/۱۲) و «آمریکا هم در این مدّت - یعنی از سال ۵۷ تا امروز- هر کاری بلد بوده در دشمنی علیه ملّت ایران انجام داده؛ هر کاری که میتوانسته بکند و بلد بوده انجام بدهد، علیه ملّت ایران انجام داده؛ از کودتا، از تحریکات، تجزیه‌طلبی‌ها، محاصرات و مانند اینها؛ می‌بینید دیگر.»(۹۸/۸/۱۲) «امام (ره) در اینکه ما با نظام سلطه مخالفیم، هیچ پرده‌پوشى نکرد. نظام سلطه یعنى آن نظام بین‌المللى‌اى که متّکى است به تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ امام قاطعاً این را رد کرد. آن نظام سلطه هم در شکل کامل خود تجسّم و تجسّد پیدا مى‌کند در رژیم و دولت کنونى ایالات متّحده‌ى آمریکا؛ لذا امام صریحاً در مقابل آمریکا موضع گرفت. موضع‌گیرى ما در مقابل آمریکا به مناسبت این نیست که اینها یک ملّتى باشند که ما با این ملّت مخالف باشیم یا خصوصیّات نژادى تأثیرى داشته باشد؛ مسئله اینها نیست؛ مسئله این است که منش و ذات و رفتار دولت ایالات متّحده‌ى آمریکا، مداخله‌گرى و سلطه‌گرى است.»(۹۲/۱۱/۱۹)

«امروز طاغوت اعظم در دنیا، رژیم ایالات متحده‌ی آمریکا است.»(۸۵/۵/۳۰) و «شماها می‌بینید که هر کاری آمریکایی‌ها توانسته‌اند در این مدّت کرده‌اند، بخصوص با نهادهای برخاسته‌ی از انقلاب، از جمله با خود نظام اسلامی؛ با خود جمهوری اسلامی که برخاسته‌ی از انقلاب است، هر چه توانسته‌اند دشمنی کرده‌اند. البتّه ما هم از این طرف بیکار نبوده‌ایم؛ ما هم از این طرف هر کار توانسته‌ایم، در مقابل آمریکا کرده‌ایم، در موارد زیادی هم طرف را گوشه‌ی رینگ برده‌ایم؛ نتوانسته از خودش درست دفاع کند، این هم کاملاً واضح است، همه‌ی دنیا می‌بینند.»(۹۸/۸/۱۲) «آمریکا در این منطقه سیاستهایى دارد، نظراتى دارد. یکى از این نظرات این است که بایستى نیروهاى مقاومتِ‌ این منطقه بکلّى محو بشوند، نابود بشوند؛ یکى از نظراتشان این است که بایستى دولت آمریکا بر کشورهاى عراق و سوریه و بقیّه‌ى اینها تسلّط کامل داشته باشند؛ نظرات آنها اینها است، کارهایى که میخواهند انجام بدهند همین کارهایى است که به این چیزها منتهى میشود. [آنها] توقّع دارند که مسئولین ما، دولت ما و سیاست‌مداران ما در جهت این سیاستها عمل کنند؛ چنین چیزى اتّفاق نخواهد افتاد.»(۹۴/۶/۱۲)

آنچه باید در جبهه‌ی جهانی مقاومت و جنبش‌های اسلامی مورد توجه باشد، تأکید بر این مهم است «که خطر هست، ولى راه مصونیّت از آن نیز هست. توجّه به خطر نباید ملّتها را بترساند. بگذارید دشمنانتان از شما بترسند و بدانید که: إنَّ کَیدَ الشَّیطانِ کانَ ضَعیفاً (۱).»(۹۰/۶/۲۶) و «مرعوب شدن از هیمنه‌ی ظاهرى مستکبران و احساس ترس‌ از آمریکا و دیگر قدرتهاى مداخله‌گر، آسیب دیگرى از این دسته است که باید از آن پرهیز کرد. نخبگان شجاع و جوانها باید این ترس را از دلها بیرون کنند. اعتماد به دشمن و در دام لبخندها و وعده‌ها و حمایتهاى آنها افتادن نیز آسیب بزرگ دیگرى است که به‌طور ویژه باید پیشروان و نخبگان از آن بر حذر باشند. دشمن را با علاماتش در هر لباس باید شناخت و از کید او که در مواردى در پسِ ظاهرِ دوستى و کمک پنهان مى‌شود، باید ملت و انقلاب را مصون ساخت. روى دیگر این صفحه، مغرور شدن و دشمن را غافل دانستن است؛ شجاعت را باید با تدبیر و حزم در هم آمیخت. در مقابل شیطان جن و انس، باید همه‌ى ذخائر الهى در وجود خود را به کار گرفت. ایجاد اختلاف و به جان هم انداختن انقلابیون و رخنه در پشت جبهه‌ى مبارزه، نیز آفتى بزرگ است که با همه‌ى توان باید از آن گریخت.»(۹۰/۶/۲۶)

«به همه‌ى ملت ایران عرض کنم: شکست یک ملّت آن‌وقتى اتفاق مى‌افتد که معتقد بشود که نمىتواند کارى انجام بدهد؛ این اولِ شکست هر ملتى است.»(۹۳/۱/۰۶) و «نظام اسلامى، چون متکى به ایمانهاى مردم و به عواطف مردم است، در مقابل همه‌ى قدرتهاى مادّى جهان، هم مىتواند از خود دفاع کند، هم مى‌تواند طرف مقابل را وادار به اعتراف به عجز کند.»(۹۳/۱/۰۶)

حاج قاسم محور وحدت ملی علیه مبارزه با آمریکا

در این میان باید به این نکته‌ی مهم توجه داشت که: «دشمن به آن نقاطی متوجه میشود که پشتوانه‌ی استقامت ملّی ماست. دشمن وحدت ملّی و ایمان عمیق دینی را هدف قرار میدهد. دشمن روحیّه‌ی صبر و استقامت مردان و زنان ما را هدف قرار میدهد؛ این تهاجم از تهاجم نظامی خطرناک‌تر است.»(۸۸/۲/۲۲)

اعتماد به وعده الهی، صبر و استمداد از خداوند

صبر و بصیرت ابزار فتح دژ آمریکا در ایران

و البته براساس سنن الهی پیروزی نتیجه و ثمره‌ی مقاومت و اعتماد به وعده‌ی الهی است: «آن روز که اسلام در ایران پیروز شد و توانست دژ آمریکا و صهیونیزم را در یکى از حساس‌ترین کشورهاى این منطقه‌ى بسیار حساس فتح کند، اهل عبرت و حکمت دانستند که اگر صبر و بصیرت را به کار گیرند، فتوحات دیگر پى‌درپى فرا خواهد رسید؛ و فرا رسید. واقعیت‌هاى درخشان در جمهورى اسلامى که دشمنان ما بدان اعتراف مى‌کنند، همه در سایه‌ى اعتماد به وعده‌ى الهى و صبر و مقاومت و استمداد از خداوند به دست آمده است. مردم ما همواره در برابر وسوسه‌ى ضعفائى که در مقاطع اضطراب‌انگیز، نداى: إِنَّا لَمُدْرَکُونَ(۲) سر مى‌دادند، نهیب زده‌اند که: کَلَّا إِنَّ مَعِی رَبِّی سَیَهْدِینِ(۳).»(۹۲/۲/۰۹)

فداکاری و صبر و پایداری لازمه فتح قله های عزت

راه پرافتخار و عزت‌مندانه‌ی ملت ایران و ناکامی دشمن ادامه داشته و دارد: «ملّت ایران با فداکارى شهیدانش و با صبر و پایدارى آزادگان و جانبازانش و با گذشت و بزرگوارى خاندان‌هاى آنان، توانست خود را به قلّه‌هاى عزّت برساند و راه روشن‌ خود به سوى آینده‌ را بگشاید.»(۹۲/۷/۰۴) «کشور ما در این مدّت بیشترین تهدید و عناد و خباثت را از استکبار دریافت کرده و ملّت ما در این مدّت، بیشترین ایمان و ایستادگى و افتخار را کسب کرده است. ما سخن قرآن را در عمل تجربه کردیم که مىفرماید: إنَّ کَیدَ الشَّیطانِ کانَ ضَعیفاً(۴) و میفرماید: إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِینَ اتَّقَوا وَّالَّذِینَ هُم مُّحْسِنُونَ(۵) و میفرماید: وَإِنَّ اللهَ عَلی نَصْرِهِمْ لَقَدِیرٌ(۶). ما افق آینده‌ را در برابر ملّت خود و جهان اسلام، روشن‌ مى‌بینیم و با اعتماد روزافزون به وعده‌ی الهى، راهى را که امام خمینى عظیم ترسیم کرده است، با عزم راسخ ادامه مىدهیم. وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ(۷).»(۸۲/۱۱/۰۸)

پی‌نوشت:

۱) نساء: ۷۶  
۲) شعراء: ۶۱  
۳) شعراء: ۶۲  
۴) نساء: ۷۶  
۵) نحل: ۱۲۸  
۶) حج: ۳۹  
۷) قصص: ۸۳

##### نقشه آمریکا در غرب آسیا چگونه شکست خورد؟

### جهادِ حاج قاسم؛ شکست آمریکا

احساس سرافرازی برای اقتدار و نفوذ جمهوری اسلامی

«احساس سرافرازی کنید به‌خاطر انقلاب. عزیزان من! امروز سیاستهای بزرگ‌ترین قدرتهای دنیا، در منطقه‌ی غرب آسیا به گِل نشسته، پیش نرفته؛ خود آنها میگویند به‌‌خاطر اعمال نفوذ و اقتدار جمهوری اسلامی است.» ۱۳۹۶/۰۳/۱۷

*** سردار پرافتخار اسلام آسمانی شد**

جمعه ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ حاج قاسم سلیمانی «سردار بزرگ و پرافتخار اسلام آسمانی شد.» ۱۳۹۸/۱۰/۱۳ و «خون پاک او به دست شقی‌ترین آحاد بشر بر زمین ریخت.» ۱۳۹۸/۱۰/۱۳  
اما ماجرای شهادت سردار رشید اسلام را چگونه و در کدام چهارچوب فکری و تحلیلی باید دید و فهم کرد؟ ریشه‌های این ترورِ آمریکایی چیست؟ چرا دولت آمریکا در این مقطع زمانی و با چنین شیوه‌ی ناجوانمردانه‌ای چهره‌ی نمادین مقاومت اسلامی در جهان اسلام و منطقه‌ی غرب آسیا را هدف قرار داد؟ آیا موضوع آنچنان که رئیس جمهور و دولتمردان آمریکا می‌گویند نشانگر قدرت و تسلط آمریکایی‌هاست یا مسئله چیز دیگری است؟

نگاه به این رویداد در بستر تحولات رُخ داده در منطقه‌ی غرب آسیا و هماوردی و چالشِ جمهوری اسلامی ایران و نظام سلطه به رهبری دولت آمریکا، می‌تواند حقیقتِ صحنه را پیش‌روی ما قرار داده و ابعاد و زوایای این رخداد را به‌شکل صحیحی به ما نشان دهد.

*** ایجادِ «خاورمیانه جدید»، نقشه کلان آمریکا**

برای درک درست این مسئله ابتدا باید هدف و برنامه‌ی کلان نظام سلطه و مشخصا دولت آمریکا را در منطقه‌ی غرب آسیا دانست: «آمریکا یک نقشه‌ای برای این منطقه‌ی غرب آسیا که خودشان به آن میگویند خاورمیانه، داشته‌اند... که بر اساس آن یک مدّتی اسم «خاورمیانه‌ی جدید» را آوردند، یک مدّتی اسم «خاورمیانه‌ی بزرگ» را آوردند؛ یک نقشه‌ای برای اینجا داشتند. محور اصلی این نقشه و قلب این نقشه عبارت بود از سوریه، لبنان، عراق؛ این سه کشور، سه محور و سه مرکزی بودند که این نقشه باید عمدتاً آنجاها پیاده بشود؛ چه‌جوری پیاده بشود؟ دولتهایی در این سه کشور بر سر کار بیایند که تسلیم مطلق و نوکر آمریکا باشند، هرچه آمریکا میخواهد اطاعت کنند و برای او عمل بکنند. نتیجه چه خواهد شد؟ نتیجه این است که تمام این منطقه میشود پاانداز رژیم صهیونیستی و در این منطقه همان از نیل تا فراتی که آنها گفته بودند به یک شکلی تأمین خواهد شد، ولو نه به شکل سیاست ظاهری، به شکل سلطه و نفوذ و تسلّط معنوی و واقعی.» ۱۳۹۶/۰۶/۳۰ و این هدف کلان را از مسیرِ «بی‌ثبات‌سازی منطقه» دنبال می‌کردند: «امروز سیاستی که استکبار و در رأس آنها آمریکای ظالم و ستمگر برای خود اتّخاذ کرده‌اند، یک سیاست شرارت‌بار است؛ منافع خودشان را در ایجاد بی‌ثباتی در بسیاری از مناطق عالم بخصوص منطقه‌ی ما -منطقه‌ی غرب آسیا- قرار داده‌اند؛ سیاست آنها این است... ایجاد جنگ داخلی، ایجاد ناامنی، ایجاد بی‌ثباتی، ایجاد تروریسم، کاری است که متأسّفانه امروز در این منطقه، سیاست قطعی آمریکا است.» ۱۳۹۷/۰۶/۱۸

ایجاد داعش و امثالهم و حمایت از این جریانات تکفیریِ تروریست هم دقیقا در همین راستا بوده است: «نقشه‌ی آمریکا این بود که گروه‌های شریر و ظالم و هتّاکی از قبیل داعش را به وجود بیاورد برای اینکه ذهن ملّتها را از رژیم غاصب صهیونیستی منصرف کند، آنها را مشغول کند به مسائل داخلی خودشان، به جنگ داخلی، به مشکلات داخلی و فرصتی برای آنها باقی نگذارد که به فکر رژیم صهیونیستی بیفتند.» ۱۳۹۷/۰۱/۰۱ چنانکه: «رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد که در این منطقه‌ی غربِ آسیا هفت تریلیون دلار پول خرج کرده‌اند! خودش میگوید که صحبت میلیون نیست، صحبت میلیارد نیست، صحبت تریلیون است.» ۱۳۹۷/۰۳/۲۵

*** شکستِ استراتژیکِ آمریکایی‌ها**

اما این طرح و راهبردِ کلان استکبار با شکستی تمام‌عیار روبرو شد: «آمریکایی‌ها در این منطقه -که خودشان میگویند «خاورمیانه» ما میگوییم «غرب آسیا»- نقشه داشتند، کارهایی میخواستند بکنند و نتوانستند. ما آنجا برنامه داشتیم، نقشه داشتیم، کارهایی را میخواستیم بکنیم و توانستیم... همه‌ی دنیا امروز میدانند که آمریکا در سوریه شکست خورد، در عراق شکست خورد.» ۱۳۹۷/۱۲/۲۲ بخش مهم و قابل توجهیِ از شکستِ طرح بی‌ثبات‌سازی منطقه و ایجاد جنگ و آشوب، عملا با نابودی جریان داعش توسط مقاومت اسلامی و با فرماندهیِ میدانیِ «حاج قاسم سلیمانی» عملی شد: «این تنها ضربه به گروه ستمگر و روسیاه داعش نبود؛ ضربه‌ی سخت‌تر به سیاست خباثت‌آلودی بود که ایجاد جنگ داخلی در منطقه و نابودی مقاومت ضدّ صهیونیستی و تضعیف دولتهای مستقل را به وسیله‌ی رؤسای شقیّ این گروه گمراه هدف گرفته بود؛ ضربه بود به دولتهای قبلی و کنونی آمریکا و رژیمهای وابسته به آن در این منطقه که این گروه را به وجود آوردند و همه‌گونه پشتیبانی کردند تا سلطه‌ی نحس خود را در منطقه‌ی غرب آسیا بگسترانند و رژیم غاصب صهیونیست را بر آن مسلّط سازند.» ۱۳۹۶/۰۸/۳۰

در واقع: «آمریکایی‌ها تصمیم گرفتند ریشه‌ی مقاومت را در غرب آسیا بکَنند، مطمئن هم بودند که این کار را خواهند کرد؛ ما ایستادیم، ما گفتیم نمیگذاریم. امروز برای همه‌ی دنیا ثابت شده است که او میخواست و نتوانست، و ما خواستیم و توانستیم؛ این را همه در دنیا فهمیده‌اند.» ۱۳۹۶/۱۱/۱۹ و «این معنایش شکست است؛ آمریکا در منطقه شکست‌خورده است. آمریکا در منطقه نتوانسته است، شیطان بزرگ با آن‌همه تلاش، با آن‌همه وسوسه و دمدمه نتوانسته است به مقصودِ خود در این منطقه برسد. پول را خرج کرده است، فَسَیُنفِقونَها ثُمَّ تَکونُ عَلَیهِم حَسرَةً ثُمَّ یُغلَبون.» ۱۳۹۷/۰۳/۲۵

*** رمزِ پیروزی جمهوری اسلامی**

نکته‌ی کلیدی ماجرا اما به فهم چراییِ این شکست اساسیِ نقشه و استراتژی دولت آمریکا در منطقه برمی‌گردد.

حقیقت این است که آنچه در این سالها در غرب آسیا روی داد یکی دیگر از «معجزات انقلاب» است: «این واقعاً یکی از معجزات انقلاب است. در منطقه، جمهوری اسلامی -همین شما- توانستید آمریکای مستکبر را به زانو دربیاورید و شکست بدهید. تمام تلاشهایی که میکردند و نقشه‌هایی که کشیده بودند برای این بود که این منطقه را از تفکّر انقلابی و اسلامی دور کنند؛ هدف همه‌ی اینها در واقع همین بود که این تفکّر انقلابی را، تفکّر مقاومت را که گسترش پیدا کرده در منطقه، این تفکّر را از بین ببرند و دفن کنند، ولی بعکس شد!... این چند توطئه‌ی پی‌در‌پی که در این منطقه، آمریکا و صهیونیسم و ارتجاع عرب و دیگران به ‌وجود آورده بودند، همه با اقتدار جمهوری اسلامی نابود شد، از بین رفت.» ۱۳۹۶/۰۹/۰۱

رمزِ این پیروزی جبهه‌ی حق بر جبهه‌ی باطل به عملیاتی شدن «تفکر و راهبرد مقاومت» برمی‌گردد: «امروز در منطقه‌ی ما، منطقه‌ی غربِ آسیا، کلمه‌ی مشترکِ ملّتها مقاومت است؛ مقاومت را همه قبول دارند... همین شکستهایی که در این چند سال، آمریکایی‌ها در عراق و در سوریه و در لبنان و در فلسطین و مانند اینها داشتند، محصول مقاومت گروه‌های مقاومت است.» ۱۳۹۸/۰۳/۱۴ و چه کسی است که نداند ما به‌عنوان جمهوری اسلامی «امروز «دولت مقاومت»ایم. دولت مقاومت خیلی مهم است... جمهوری اسلامی دولت مقاومت است؛ دولت مقاومت که سیاست دارد، اقتصاد دارد، نیروی مسلّح دارد، حرکات بین‌المللی دارد، منطقه‌ی نفوذ وسیع در درون کشور و بیرون کشور دارد؛ این بسیار مهم است.» ۱۳۹۶/۰۲/۲۰

امروز «یکی از حقایق، «قدرت مقاومت» است... امروز جبهه‌ی مقاومت در منسجم‌ترین وضعیّت در چهل سالِ گذشته‌ است؛ در منطقه و در مراکزی حتّی فراتر از منطقه؛ این یک واقعیّت است. نقطه‌ی مقابل، قدرت استکباری است؛ قدرت استکباری آمریکا، قدرت فتنه‌انگیزی و خباثت رژیم صهیونیستی، از چهل سال پیش به این طرف بمراتب تنزّل کرده‌اند و پایین رفته‌اند.» ۱۳۹۸/۰۳/۱۴ و قدرت و اقتدار برآمده از اندیشه و راهبرد مقاومت که با مجاهدت و شهادت بهترین و مخلص‌ترین رزمندگان و شهدا و مدافعان حرم اهل بیت (علیهم السلام) به‌دست آمده آنچنان است که: «افتخار جمهوری اسلامی امروز این است که ما در مجاورت مرزهای رژیم صهیونیستی نیرو داریم؛ [حالا یا] نیروهای خودمان یا نیروهای حزب‌الله یا نیروهای مقاومت یا نیروهای امل. اینکه اینها این‌قدر ناراضی‌اند و میگویند جمهوری اسلامی چرا دخالت میکند، به‌خاطر این است. ما امروز آنجا، بالاسر اینها نیرو داریم. این برای اسلام و برای جمهوری اسلامی خیلی افتخار بزرگی است. جوانهایی که رفتند در سوریه یا در عراق و به شهادت رسیدند،‌ این بصیرت را داشتند، میفهمیدند که دارند چه‌کار میکنند.» ۱۳۹۷/۱۲/۲۲ این روزها و در آغاز گام دوم انقلاب، در منطقه‌ای که روزگاری نه‌چندان دور یکسره تحت تسلط و نفوذ و مدیریت استعماریِ مستکبرین بوده «چالش بر سرِ حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته‌ی حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است.» ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

این همه ناشی از عمل به این اعتقاد ایمانی و اسلامی است که: «حضرت علی (علیه‌السّلام) قریب به این عبارت فرمود نباید منتظر ماند که دشمن بیاید در خانه‌ی آدم، بعد آدم به فکر دفاع از خانه بیفتد. دشمن را باید در مرزهای خودش سرکوب کرد.» ۱۳۹۷/۱۲/۲۲ به‌راستی که «جهاد مایه‌ی عزّت است.» ۱۳۹۷/۱۲/۲۲

*** عصبانی‌اند چون بینی‌شان به خاک مالیده شده است...**

باتوجه به این نکات می‌توان از ماجرای شهادت حاج قاسم سلیمانی فهمی صحیح و اصولی پیدا کرد. حقیقت این است که شکست همه‌جانبه و مطلق نقشه‌ی نظام سلطه و دولت آمریکا موجب «عصبانیت» آنها شده است: «واقعیّت با آنچه اینها میخواستند چقدر فاصله دارد!... درست نقطه‌ی مقابل آنچه آمریکا میخواسته تحقّق پیدا کرده. وقتی آمریکایی‌ها نگاه میکنند، ایران را در این زمینه مؤثّر و مقصّر میدانند لذا عصبانی‌اند... مسئله این است... آن عکس‌العملی که آنها دارند نشان میدهند، نشانه‌ی ضعف است، نشانه‌ی عقب‌ماندگی آنها است، و نشانه‌ی عصبانیّت ناشی از شکست‌خوردگی آنها است. بینی‌شان به خاک مالیده شده؛ لذا عصبانی‌اند.» ۱۳۹۶/۰۶/۳۰ دولت مستکبر، غیرمنطقی و جنایتکار آمریکا که خود را قدرتی بلامنازع می‌دانست در این رویارویی استراتژیک با جمهوری اسلامی، شکستی همه‌جانبه و تاریخی متحمل شد: «این همان چیزی است که انقلاب میخواست. خواسته‌ی انقلاب تحقّق پیدا کرد، خواسته‌ی آمریکا و همراهان آمریکا تحقّق پیدا نکرد.» ۱۳۹۶/۰۳/۱۷ و این ریشه‌ی عملیات تروریستیِ ناجوانمردانه و بُزدلانه‌ی آمریکایی‌ها علیه چهره‌ی نمادین و بین‌المللیِ «خطّ جهاد مقاومت» است.

در واقع این عصبانیت آمریکایی‌ها باز هم با «خطای محاسباتی» همراه شد: «محاسبات آمریکا، محاسبات غلطی است. قبلاً هم در سالهای گذشته، در این چهل سال، همین‌ جور محاسباتی را آمریکایی‌ها داشته‌اند و نتیجه نگرفته‌اند و ضرر کرده‌اند و ضربه‌ی مورد نظر خودشان را نتوانستند بر جمهوری اسلامی وارد کنند؛ حالا هم همین ‌جور است؛ این دفعه هم قطعاً‌ شکست خواهند خورد.» ۱۳۹۸/۰۲/۲۴ و مجموع این مباحث بار دیگر نشان می‌دهد که: «دولتمردان آمریکا مردم غیرمنطقی‌ای هستند؛ حرفشان غیرمنطقی است، عملشان غیرمنطقی است.» ۱۳۹۱/۱۱/۲۸

*** خدا با ماست**

اما این همه، تمام ماجرا نیست. اولا دوست و دشمن باید بدانند که: «ما، بعد از این ‌هم، تا آنجایی که بتوانیم و با همه‌ی همّتمان، با همه‌ی تلاشمان‌، با همه‌ی استعداد نیروی انسانی‌‌مان که کم هم نیست، در راه افزایش قدرت بازدارندگی پیش خواهیم رفت و آن را به کار خواهیم گرفت... من مدّتها قبل گفتم دوران «بزن و دررو» به جمهوری اسلامی دیگر گذشته است؛ اینکه بیا بزن و دررو، دیگر این‌جوری نیست؛ اگر زدند پایشان گیر می‌افتد؛ شروع ممکن است با آنها باشد امّا تمام کردن دیگر با آنها نیست.» ۱۳۹۶/۰۲/۲۰ و ثانیا باید «ما به ترفند دشمن برای تضعیف اندیشه‌ی مقاومت توجّه کنیم. اندیشه‌ی مقاومت، قدرتمندترین سلاحِ یک ملّت است؛ پس طبیعی است که دشمن بخواهد این سلاح را از دست ملّت ایران بگیرد؛ لذا روی اندیشه‌ی مقاومت شروع میکنند به وسوسه کردن، تردید‌افکنی: «آقا، چه فایده دارد، نمیشود». باید اندیشه‌ی مقاومت از ترفند دشمن مصون بماند و با ترفند دشمن تضعیف نشود.» ۱۳۹۸/۰۳/۱۴

و البته بدانیم که در این درگیری و چالش بین حق و باطل و جبهه‌ی مقاومت با جبهه‌ی استکبار و سلطه «امروز هم آن پرچمی که در منطقه‌ی آسیا، در مناطق اروپا و آمریکا، در هر نقطه‌ی از عالم در مقابل انقلاب ایستاده، همان پرچم است؛ همان پرچمی است که در مقابل ابراهیم و موسی و عیسی برافراشته شده بود. آنها نابود شدند و موسی و عیسی و ابراهیم زنده‌اند. علّت زنده بودنِ آنها هم این است که خدای متعال به حضرت موسی فرمود: اِنَّنی مَعَکُما اَسمَعُ وَاَرى؛ نترسید، نترسید، واهمه نکنید، دچار اشتباه در محاسبه نشوید، خدا با شما است... قدرت متعلّق به خدا است و خدا میگوید من با شما هستم.» ۱۳۹۷/۱۲/۰۷

کلام آخر اینکه رهروانِ راه حق، ایمان و رجا واثق دارند که: «نتیجه‌ی این دشمنی این است که هر کس خدا با او است، او پیروز است چون قدرت متعلّق به ذات مقدّس پروردگار است. [اگر] ما با خدا باشیم، در راه خدا باشیم، پیروزی، قطعیِ صددرصد است، هیچ تردیدی در آن نیست.» ۱۳۹۷/۱۰/۱۹

**شهادت**

*** رضای الهی و بهشت پاداش مجاهدت در راه خدا است**

مجاهدتهای در راه خدا با این چیزها قابل مقابله و قابل جبران نیست. خدای متعال میفرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِینَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَیَقْتُلُونَ وَیُقْتَلُونَ»(۱) آنچه در برابر مجاهدت در راه خدا وجود دارد و خدای متعال در مقابل تقدیم کردن و روی دست گرفتن جان و مال در راه خدا قرار داده، بهشت است، رضای خدا است. آن چیزهایی که در دست و بال ما است ــ چه تشکر زبانی‌مان، چه تشکر عملی‌مان، چه نشانمان، چه درجه‌ای که میدهیم ــ چیزهایی است که بر حسب محاسبات مادیِ دنیایی قابل ذکر است اما بر حسب محاسبات معنوی و الهی قابل ذکر نیست. ۱۳۹۷/۱۲/۱۹

*** شهدا از خداوند پاداش مجاهدت را به صورت نقد می‌گیرند**

در امر شهادت آنچه مهم است این است که کسی آماده بشود جان خودش را کف دستش بگیرد برای بذل در راه خدا؛ ایثارگران ما، رزمندگان ما، فداکاران ما که جانشان را کف دستشان گرفتند و رفتند، همه‌ی اینها این فضیلت را دارند، منتها گاهی خدای متعال نسبت به کسانی تفضّل ویژه‌ای میکند و پاداش آنها را که شهادت است به آنها نقد میدهد، بنابراین ارزششان و اعتبارشان میشود چند برابر؛ برای خاطر اینکه از خدای متعال پاداش این مجاهدت را به‌صورت نقد گرفتند: اِنَّ اللهَ اشتَری مِنَ المُؤمِنینَ اَنفُسَهُم وَ اَموالَهُم بِاَنَّ لَهُمُ الجَنَّةَ یُقاتِلونَ فی سَبیلِ اللهِ فَیَقتُلونَ وَ یُقتَلونَ وَعدًا عَلَیهِ حَقًّا فِى التَّوریّْةِ وَ الاِنجیلِ وَ القُرءان، یعنی خدای متعال جانشان را، این متاع را از اینها قبول کرد و در مقابل، بهشت را به آنها داد؛ بالاترین معامله این است، بالاترین سود این است. جان ما همان سرمایه‌ای است که به‌هرحال خواهی نخواهی از بین خواهد رفت؛ یعنی هیچ‌کس نیست که این جان و عمر را که باارزش‌ترین سرمایه‌ی انسانی او است، بتواند نگه دارد؛ یک مدّتی هست؛ بعد، از ما گرفته خواهد شد. به شکلهای مختلفی گرفته خواهد شد؛ یک نفری مثلاً تصادف میکند در بیابان یا خیابان و با تصادف از بین میرود؛ یکی با بیماری از بین میرود؛ [امّا] یکی این جان را با خدا معامله میکند؛ این جانِ از بین رفتنی را معامله میکند. بنده پیش از انقلاب در سخنرانی‌ها مکرّر این را میگفتم که شهادت مرگ تاجرانه است، مرگ حسابگرانه است؛ کسی که در راه خدا شهید میشود، در واقع بهترین حسابگری را دارد میکند، چون این [جان] که ماندنی نیست؛ مثل تعبیر معروف «روغن ریخته، نذر امامزاده» است. خب این روغنِ ریخته است دیگر، اینکه ماندنی نیست؛ این را آدم نذر امامزاده بکند، خیلی باارزش است، خیلی زرنگی میخواهد؛ این زرنگی را شهدای ما داشتند که توانستند این جانِ از بین رفتنی را با خدای متعال معامله کنند و خدای متعال با این لحن با اینها حرف بزند: اِنَّ اللهَ اشتَری مِنَ المُؤمِنینَ اَنفُسَهُم؛ پروردگارا! ما که هستیم که تو جان ما را بخری؟ این جان مال تو است، متعلّق به تو است، اصلاً ما که اختیاری در مورد آن نداریم؛ ببینید چقدر خدای متعال ارزش قائل میشود برای این مجاهد فی‌سبیل‌اللّه؛ مِنَ المُؤمِنینَ اَنفُسَهُم وَ اَموالَهُم بِاَنَّ لَهُمُ الجَنَّةَ یُقاتِلونَ فی سَبیلِ اللهِ فَیَقتُلونَ وَ یُقتَلون؛ این است؛ خدای متعال برای شهدای ما این را قرار داده است؛ این ارزش را ما خیلی باید گرامی بداریم. ۱۳۹۶/۱۱/۱۶

*** بهشت بالاترین قیمت برای معامله جان در راه خدا است**

شهادت یعنی معامله‌ی با خدا، یک معامله‌ی دوجانبه‌ی بی‌دغدغه‌ی با خدای متعال؛ جنس هم معلوم، بهای جنس هم معلوم. جنس عبارت است از جان. جان یعنی سرمایه‌ی اصلی هر انسانی در این دنیای مادّی؛ این جنس است؛ این را شما تقدیم میکنید؛ در مقابل، چه میگیرید؟ در مقابل، سعادت ابدی و حیات جاودان در برترین نعمتهای الهی را میگیرید. خب، این جنسی که شما در شهادت میدهید، یک جنس ماندگار نیست. این جنس مثل همان یخی است که فروشنده‌ی یخ، روز تابستان آمده بود یخ را عرضه میکرد... حالا [برای] این جنسی که چه شما بفروشی و چه نفروشی بالاخره تمام خواهد شد، یک مشتری پیدا شده و میگوید من این را از تو میخرم، آن‌هم به بالاترین قیمت میخرم. آن بالاترین قیمت چیست؟ بهشت. ۱۳۹۶/۰۳/۲۸

*** مجاهدان در راه خدا قبل از شهادت، ضربات زیادی هم به دشمن می‌زنند**

همین آیه‌ای که این قاریِ خوش‌خوانِ عزیز ما امروز تلاوت کردند: اِنَّ اللهَ اشتَرىٰ‌ ‌مِنَ المُؤمِنینَ اَنفُسَهُم وَ اَموالَهُم بِاَنَّ لَهُمُ الجَنَّة؛این جنس را از شما میخرند که به شما بهشت بدهند. یُقاتِلُونَ فی‌ سَبیلِ اللهِ فَیَقتُلونَ وَ یُقتَلون؛یعنی وقتی شما در راه خدا مجاهدت میکنید، چنین نیست که برَوی جانت را دو‌دستی بدهی دست دشمن و بگویی بکُش؛ نه آقا! شما هم ضربه میزنی به او. این مرزبان ما که در مرزها به شهادت میرسد، قبلش مبالغ زیادی ضربه به دشمن زده، مانع نفوذ دشمن شده، جلوی توطئه‌ی دشمن را گرفته، جلوی فساد دشمن را گرفته؛ این جوان ما که در دفاع از حرم، در فلان کشور خارجی در مقابل داعش ایستاده و شهید شده، قبل از اینکه شهید بشود، صد ضربه به او زده، جلوی او را گرفته، اهداف او را ناکام کرده، پدر او را درآورده، حالا هم شهید میشود. فَیَقتُلونَ وَ یُقتَلُون؛ هم میکُشند، بعد هم خودشان کشته میشوند. وَعدًا عَلَیه‌؛ این یک وعده‌ی الهی است؛ خدا دارد به شما وعده میدهد. اینکه میگوید از تو میخریم این جنس را به قیمت بهشت؛ بهشت یعنی سعادت ابدی، سعادتی که در آنجا دیگر مثل این یخ نیست که لحظه‌به‌لحظه آب برود؛ نه، بقاء دائمی است، همیشگی است، لذّت همیشگی است، نعمت همیشگی است؛ در مقابل این دارند این جان ازبین‌رفتنی را از شما میخرند و میگیرند. ۱۳۹۶/۰۳/۲۸

*** وعده الهی بهشت برای مجاهدان قطعی است**

 این وعده، وعده‌ی خدا است. این وعده‌ی حقّی است که خدای متعال به شما داده است، مخصوص دین شما هم نیست؛ این وعده را خدا در کتابهای آسمانیِ قبلی هم داده است: وَعداً عَلَیهِ حَقًّا فِی التَّوراةِ وَ الاِنجیلِ وَ القُرءان؛ شهادت این است. بعد هم میفرماید: وَ مَن اَوفىٰ‌ بِعَهدِهِ مِنَ الله؛ چه کسی به عهد خود وفا‌کننده‌تر است از خدا؟ این وعده وفا میشود. بنابراین شهادت یک مفهوم این‌جوری است. ظاهرش را که نگاه میکنید، ظاهر دردناکی دارد، تلخی دارد؛ پدر انسان، مادر انسان، همسر انسان، بچّه‌ی انسان، برادر و خواهر انسان، داغدار میشوند، غصّه میخورند؛ ظاهرش این است؛ امّا باطنش چه؟ باطنش فروش یک جنس ضایع‌شدنی و خراب‌شدنی و غیرقابل‌ماندن به یک قیمت فوق‌العاده بالا است. بنده از قدیم با دوستان در صحبت و سخنرانی و مانند اینها که صحبت میکردیم میگفتم شهادت، مرگ تاجرانه است؛ یعنی در آن زرنگی هست؛ آنهایی که شهید میشوند، خدای متعال بیشترین لطف را به آنها میکند، بالاترین لطف را به آنها میکند؛ این شهادت است. ۱۳۹۶/۰۳/۲۸

*** شهید هنوز از نشئه دنیا خارج نشده علائم رحمت الهی را مشاهده میکند**

مسئله‌ی شهدا را باید خیلی جدّی گرفت. ما برای شهدا همان ارزشهایی را باید قائل باشیم که خدای متعال برای اینها قائل است که [فرمود]: یُقاتِلونَ فی سَبیلِ اللهِ فَیَقتُلونَ وَ یُقتَلونَ وَعداً عَلَیهِ حَقًّا فِی التّوریٰةِ وَ الاِنجیل وَالقُرآن؛ این کسانی که در راه خدا مجاهدت میکنند و جان خودشان را در کف دست میگیرند، هم دشمن کشتنشان، هم کشته‌شدنشان ارزش دارد؛ پیش خدای متعال وعده‌ی الهی بر رحمت به اینها است. حالا آن‌ که جانش را در این راه از دست میدهد، در روایات داریم که هنوز از این نَشئه خارج نشده، علائم رحمت الهی را مشاهده میکند؛ یعنی در روایات دارد بمجرّد اینکه شهید از اسب می‌افتد -آن‌وقت با اسب میجنگیدند- هنوز به زمین نرسیده، وعده‌ی الهی را دریافت میکند؛ یعنی حتّی در این نشئه چشمش باز میشود و حقیقت را میبیند و رحمت الهی را، فضل الهی را به‌طور ملموس درک میکند و دریافت میکند؛ این ارزش شهدا است. اگر این شهادتها نبود، اگر این فداکاری‌ها نبود، این نظام باقی نمیماند؛ این نهال، مورد تهاجم طوفانهای سخت بود. علّت اینکه این نظام باقی ماند و این نهال از بین نرفت و بحمدالله به این درخت تناور تبدیل شد، فداکاری‌ها و ایثارگری‌ها و شهادت‌طلبی‌ها و واردمیدان‌شدن‌ها بود؛ این را باید نگه داشت. دشمن را باید شناخت، کید دشمن را باید شناخت. ۱۳۹۵/۰۹/۱۵

**بشارت بر کسانی که جان خود را با خدا معامله کردند**



امروز جانبازها وقتی به طور متمایز و شاخص در جامعه نشان داده بشوند، معرفی بشوند، تجلیل بشوند، احترام بشوند و مورد تکریم قرار بگیرند، این به معنای به میان آوردن و به عرصه آوردن تمثل واقعی ایثار است؛ این خیلی اهمیت دارد. لذا ما به این تکریم و تجلیل احتیاج داشتیم، نظام به این احتیاج داشت. علاوه بر اینها، جهت سوم، یک نوع سپاسگزاری کوچکی هم از این مجموعه‌ی فداکار و خانواده‌هاشان به حساب می‌آید. بنابراین کار خیلی خوبی کردید که این مراسم تجلیل و ایثار را طراحی و اجرا کردید. ان‌شاءالله این کار هر سال انجام بگیرد و آدمهای صاحب فکر و صاحب ذوق بنشینند فکر کنند و این مراسم را تکامل ببخشند.  
البته زبان ما قاصر است که بخواهیم از شماها که هستی‌تان را، وجودتان را، سلامتی‌تان را، آسایش یک عمر را در پای انقلاب و اسلام نثار کردید، تشکر کنیم. واقعاً زحمتِ بیهوده است که امثال من بخواهیم از شماها سپاسگزاری کنیم. شماها با خدا معامله کردید، و واقعاً باید خطاب به شماها گفت: «فاستبشروا ببیعکم الّذی بایعتم به»؛ بشارت باد به شما، با این معامله‌ای که با خدا کردید. ۱۳۹۰/۰۷/۰۶

*** شهدا، ایثارگران و جانبازان باور به معامله با خدا را در عمل نشان دادند**

آن روزی که شهید حیدریان از شهر قم با یک عده‌ی معدودی بلند شد رفت کردستان و در مقابل دشمن جنگیدند، آن روز ملت ایران در غربت کامل بود؛ در مقابل ما همه‌ی اردوگاه غرب ایستاده بود؛ همه‌ی امکانات جهانی علیه ما مجهز شده بود. چند تا جوان از قم، چند تا جوان از فلان شهر دیگر، از سراسر روستاها، از سراسر شهرها، اعتقاد به معامله‌ی با خدا را در عمل نشان دادند؛ «انّ الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بأنّ لهم الجنّة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون وعدا علیه حقّا فی التّوریة و الانجیل و القران». وعده‌ی الهی وعده‌ی درستی است. صف اول، شهیدان ما قرار دارند؛ صف اول، ایثارگران ما قرار دارند - همین جانبازها - اینها پیشوایان ما شدند؛ اینها طلایه‌داران این جبهه‌ی حق شدند؛ رفتند باور به شهادت را، باور به معامله‌ی با خدا را در میدان عمل نشان دادند. ۱۳۸۹/۰۷/۲۸

*** ارزش جان انسان بهشت است**

شهدای برجسته‌ی این استان[سمنان] زیادند. عکس بعضی از اینها را اینجا نصب کرده‌اند. شهید شاهچراغی، شهید سید کاظم موسوی - که از شهدای هفتم تیر است - شهید سید کاظم کاظمی، شهید حسن شوکت‌پور، شهید محمود اخلاقی، شهید همتی - که فرمانده‌ی ناوچه‌ی پیکان بود - شهید سید احمد نبوی، شهید حسن عرب عامری، شهید مرتضی شادلو و شهدای فراوان دیگر؛ فرزندانِ برجستگانِ این حوزه و این مجموعه: فرزند حضرت آقای اختری، فرزند حضرت آقای نصیری؛ اینها خیلی ارزش و اهمیت دارند. استان شما از این جهت استان پُرافتخاری است و این را قدر بدانید. جوانهای عزیز بدانند که شناسنامه‌ی یک ملت و یک قوم با این چیزها تعیین می‌شود؛ اینهاست که تعیین کننده است؛ اینهاست که اگر امروز شما آن را ساختید، فردای خوبی در اختیار شماست. کسانی که در دنیا به جایی رسیدند و ملتهایی که عظمتی کسب کردند، این‌طوری کسب کردند. البته اکثر آن ملتها امیدی به سرنوشت شخصی خودشان بعد از پایان این دوران حیات ظاهری نداشتند؛ خیلی‌هایشان هم امید به آینده نداشتند؛ اما شما دارید. «انّ اللَّه اشتری من المؤمنین أنفسهم و أموالهم بأنّ لهم الجنّة»؛ این جان را خدای متعال با بهشت معامله می‌کند. «هی فلا تبیعوها بغیرها»(۲)، مبادا این جان با ارزشِ انسانی را به غیر بهشت بفروشید. ارزش جان شما بهشت است. جان شما ارزشی به قدر بهشت دارد. ۱۳۸۵/۰۸/۱۸  
  
*** شهادت هدیه الهی است، چون مرگ ناگزیر را به افتخار تبدیل می‌کند**  
شهادت، نعمت و هدیه‌ی خداست؛ این هدیه را آسان به کسی نمی‌دهند. چرا هدیه‌ی خداست؟ چون مرگِ ناگزیرِ همگانیِ همه‌ی انسان‌ها را به یک پدیده‌ی افتخارآمیزِ در دنیا و آخرت تبدیل می‌کند؛ این هدیه نیست؟ آیا ممکن است کسی از مرگ بگریزد؟ وقتی انسان به لحظه‌ی مرگ رسید، آیا فرق می‌کند که پشت سرِ خودش ۹۰ سال را گذرانده باشد یا ۲۰ سال؟ آیا بزرگترین دغدغه‌ی هر انسانی از مرگ به خاطر این نیست که از بعد از آغاز سفر مرگ بی‌خبر است و نمی‌داند چه بر سر او خواهد آمد؟ اینها را در کنار هم بگذارید و ببینید انسانی همین مرگ و همین حادثه‌ی قطعی و ناگزیر و همین آینده‌ی مبهم و نگرانی‌آور را تبدیل کند به یک حادثه‌ی پُرافتخار، به یک واقعه‌ی نامدارِ در دنیا و آخرت، به یک وسیله‌ی عزتِ پیش خدا و پیش کروبیانِ ملأ اعلی، به یک اطمینان و یک سکینه‌ی قلبی و یک آرامش؛ «و یستبشرون بالّذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الاّ خوف علیهم و لا هم یحزنون»(۳)؛ هیچ خوف و اندوهی برای آنها نیست. آیا این هدیه‌ی الهی نیست؟ این‌که آدم روغنِ ریخته‌ی جانِ خودش را نذر امامزاده کند و قبول شود، نعمت خدا نیست؟ این روغن که ریخته شده است، این عمر که از دست رفته است، این مرگ که ناگزیر است؛ آنگاه انسان باید همین مرگ ناگزیر را به خدا بفروشد، به قیمت بهشت و سعادت ابدی؛ «انّ اللَّه اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بأنّ لهم الجنّة یقاتلون فی سبیل اللَّه فیقتلون و یقتلون»؛ این، وعده‌ی الهی است. این جانِ رفتنی را - که انسان بناچار باید از دست بدهد - خدا از شما می‌خرد و در مقابلش به شما بهشت می‌دهد. این فقط مخصوص ما مسلمان‌ها نیست؛ در ادیان قبل از اسلام هم بوده؛ «وعدا علیه حقّا فی‌التورات والانجیل والقرآن»؛ این وعده را خدا در تورات و انجیل و قرآن هم داده است. پس شهادت یک هدیه‌ی الهی است. ۱۳۸۴/۰۲/۱۲

*** شهید جان خود را به خدا فروخته و در مقابل بهشت و رضای الهی گرفته است**

مرگ برای همه هست. ما اگر در راه خدا بمیریم، به حسب موازین مادّی و ظاهری هم، چیزی از دست نداده‌ایم. مردن، سرنوشت اجتناب‌ناپذیر هر یک از ماست. این متاعی است که بالاخره از دست ما خواهد رفت؛ ولی این متاع جان به دوگونه از دست می‌رود: یکی این‌که آن را گم کنیم و دیگر این‌که آن را بفروشیم. کدام بهتر است؟ آنها که در راه خدا کشته نمی‌شوند، جانشان را گم کرده‌اند و در مقابل، چیزی در دست ندارند. و آنها که این متاع را در راه خدا می‌دهند و جانشان را در راه او مصرف می‌کنند، کسانی هستند که آن را فروخته‌اند و در عوض چیزی گرفته‌اند: «ان‌اللَّه اشتری من‌المؤمنین انفسهم و اموالهم بانّ لهم الجنّة».  
شهید، جانش را فروخته و در مقابل آن، بهشت و رضای الهی را گرفته است که بالاترین دستاوردهاست. به شهادت در راه خدا، از این منظر نگاه کنیم. شهادت، مرگ انسانهای زیرک و هوشیار است که نمی‌گذارند این جان، مفت از دستشان برود و در مقابل، چیزی عایدشان نشود. ۱۳۶۸/۰۵/۲۵

پانوشت:  
۱) سوره توبه، آیه ۱۱۱  
إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِینَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَیَقْتُلُونَ وَیُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَیْهِ حَقًّا فِی التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِیلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَیْعِکُمُ الَّذِی بَایَعْتُمْ بِهِ وَذَلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ.  
خداوند از مؤمنان، جانها و اموالشان را خریدارى کرده، که (در برابرش) بهشت براى آنان باشد؛ (به این گونه که:) در راه خدا پیکار مى‌کنند، مى‌کشند و کشته مى‌شوند؛ این وعده حقّى است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده؛ و چه کسى از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدى که با خدا کرده‌اید؛ و این است آن پیروزى بزرگ!  
  
۲) الکافی، ثقة الاسلام کلینی، ج۱، ص۱۳.  
«أَمَا إِنَّ أَبْدَانَکُمْ لَیْسَ لَهَا ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِیعُوهَا بِغَیْرِهَا»  
امام کاظم(علیه‌السلام) فرمودند: برای شما بهایی جز بهشت نیست پس به غیر از آن نفروشید.  
  
۳) سوره آل عمران آیه ۱۷۰  
فَرِحینَ بِما آتاهُمُ اللَّهُ مِن فَضلِهِ وَیَستَبشِرونَ بِالَّذینَ لَم یَلحَقوا بِهِم مِن خَلفِهِم أَلّا خَوفٌ عَلَیهِم وَلا هُم یَحزَنونَ  
آنها بخاطر نعمتهای فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحالند؛ و بخاطر کسانی که هنوز به آنها ملحق نشده‌اند [= مجاهدان و شهیدان آینده]، خوشوقتند؛ (زیرا مقامات برجسته آنها را در آن جهان می‌بینند؛ و می‌دانند) که نه ترسی بر آنهاست، و نه غمی خواهند داشت.

# پیام های حاج قاسم

بسم الله الرحمن الرحیم

انّافَتَحنا لَکَ فتحاً مُبینا

محضر مبارک رهبر عزیز و شجاع انقلاب اسلامی

حضرت آیت‌الله‌ العظمی امام خامنه‌ای مدظله‌العالی

سلام علیکم

شش سال قبل فتنه‌ای خطرناک شبیه فتنه‌های زمان امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) که فرصت و حلاوت درک حقیقی اسلام ناب محمدی(صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) را از مسلمانان سلب نمود این بار پیچیده و آغشته به سمّ صهیونیسم و استکبار همچون طوفانی ویرانگر، عالم اسلامی را درنوردید.

این فتنه‌ی خطرناک و مسموم با هدف آتش‌افروزی وسیع در عالم اسلامی و درگیر نمودن مسلمانان با یکدیگر، توسط دشمنان اسلام ایجاد گردید. حرکت خبیثانه‌ای که تحت نام "حکومت اسلامی عراق و شام" در همان ماه‌های اولیه موفق شد با اغفال ده‌ها هزار جوان مسلمان، دو کشور بسیار اثرگذار و سرنوشت‌ساز عالم اسلامی "عراق" و "سوریه" را دچار بحران بسیار خطرناکی کند و صدها هزار کیلومتر مربع از اراضی این کشورها را همراه با هزاران روستا، شهر و مراکز مهم استانی به تصرف درآورد و هزاران کارگاه و کارخانه و زیرساخت‌های مهم این کشورها از جمله، راه‌ها، پل‌ها، پالایشگاه‌ها، چاه‌ها و خطوط نفت و گاز و نیروگاه‌های برق و موارد دیگری از این نوع را تخریب نمودند و شهرهای مهمی همراه با آثار گران‌بهای تاریخی و تمدن ملی آنها را با بمب‌گذاری از بین برده و یا سوزاندند.

اگرچه آمار خسارت‌های وارده قابل احصاء نیست اما بررسی‌های اولیه حاکی از پانصد میلیارد دلار می‌باشد.  
در این حادثه، جنایات بسیار دردناکی که غیر قابل نمایش است رخ داد؛ از جمله: سربریدن کودکان یا پوست کندن زنده‌زنده‌ی مردان در مقابل خانواده‌های خود، به اسارت گرفتن دختران و زن‌های بی‌گناه و تجاوز به آنان، سوزاندن زنده‌زنده‌ی افراد و ذبح دسته‌جمعی صدها جوان.

مردم مسلمان این کشورها متحیر از این طوفان مسموم، بخشی گرفتار خنجرهای برنده‌ی جنایتکاران تکفیری گردیدند و میلیون‌ها نفر دیگر خانه و کاشانه‌ی خود را رها کرده و آواره‌ی شهرها و کشورهای دیگر شدند.

در این فتنه‌ی سیاه، هزاران مسجد و مراکز مقدس مسلمانان تخریب و یا ویران گردید و بعضاً مسجد را به همراه امام جماعت و نمازگزاران آن با هم منفجر نمودند.

بیش از شش هزار جوان فریب‌خورده‌ به نام دفاع از اسلام به‌صورت انتحاری با خودروهای پر از مواد منفجره خود را در میادین، مساجد، مدارس، حتی بیمارستان‌ها و مراکز عمومی مسلمان‌ها منفجر کردند؛ که در نتیجه‌ی این اعمال جنایتکارانه ده‌ها هزار مرد، زن و کودک بی‌گناه به شهادت رسیدند.

تمامی این جنایت‌ها بنا به اعتراف عالی‌ترین مقام رسمی آمریکا که هم‌اکنون ریاست جمهوری این کشور را بر عهده دارد توسط رهبران و سازمان‌های مرتبط با آمریکا طراحی و اجرا گردیده است کما اینکه همچنان این روش توسط رهبران کنونی آمریکا در حال طراحی و اجرا است.

آنچه پس از لطف خداوند سبحان و عنایت خاص رسول معظم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) و اهل‌بیت گرانقدرش باعث شکست این توطئه‌ی سیاه و خطرناک گردید، رهبری خردمندانه و هدایت‌های حکیمانه‌ی حضرت مستطاب عالی و مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله‌ العظمی سیستانی بود که موجب بسیج کلیه‌ی امکانات برای مقابله با این طوفان مسموم گردید.

یقیناً پایداری دولت‌های عراق و سوریه و پایمردی ارتش‌ها و جوانان این دو کشور خصوصاً حشدالشعبی‌ مقدس و دیگر جوانان مسلمان سایر کشورها با حضور مقتدرانه و محوری حزب‌الله به رهبری سید پر افتخار آن، جناب سید حسن نصرالله (حفظه‌الله‌تعالی) نقش تعیین‌کننده‌ای در به شکست کشاندن این حادثه‌ی خطرناک داشتند.

قطعاً نقش ارزشمند ملت و دولت خدمتگزار جمهوری اسلامی خصوصاً ریاست محترم جمهوری اسلامی، مجلس، وزارت دفاع و سازمان‌های نظامی و انتظامی و امنیتی کشورمان در حمایت از دولت‌ها و ملت‌های کشورهای فوق‌الذکر قابل تقدیر است.  
حقیر به‌عنوان سرباز مکلف‌شده از جانب حضرت‌عالی در این میدان، با اتمام عملیات آزادسازی ابوکمال آخرین قلعه‌ی داعش با پایین کشیدن پرچم این گروه آمریکایی-صهیونیستی و برافراشتن پرچم سوریه، پایان سیطره‌ی این شجره‌ی خبیثه‌ی ملعونه را اعلام می‌کنم و به نمایندگی از کلیه‌ی فرماندهان و مجاهدین گمنام این صحنه و هزاران شهید و جانباز مدافع حرم ایرانی، عراقی، سوریه‌ای، لبنانی، افغانستانی و پاکستانی که برای دفاع از جان و نوامیس مسلمانان و مقدسات آنان جان خود را فدا کردند، این پیروزی بسیار بزرگ و سرنوشت‌ساز را به حضرت‌عالی و ملت بزرگوار ایران اسلامی و ملت‌های مظلوم عراق و سوریه و دیگر مسلمانان جهان تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم و پیشانی شکر را در مقابل پیشگاه خداوند قادر متعال به شکرانه‌ی این پیروزی بزرگ بر زمین می‌سایم.

و مَا النَّصرالّا مِن عِندِالله العَزِیزِ الحَکِیم  
فرزند و سربازتان           
قاسم سلیمانی

بسمه‌تعالی

عزیز برادرم علی عزیز

همه شهداء و حقایق آن دوران را در چهره‌ی تو دیدم

یکبار همه خاطراتم را به رخم کشیدی. چه زیبا از کسانی حرف زده‌ای که صدها نفر از آنها را همینگونه از دست دادم و هنوز هر ماه یکی از آنها را تشییع میکنم و رویم نمی‌شود در تشییع آنها شرکت کنم. ده روز قبل بهترین آنها را -مراد و حیدر را- از دست دادم، اما خودم نمی‌روم و نمی‌میرم، در حالی که در آرزوی وصل یکی از آن صدها شیر دیروز له‌له می‌زنم و به درد «چه کنم» دچار شده‌ام. امروز این درد همه وجودم را فراگرفته و تو نمکدانی از نمک را به زخم‌هایم پاشاندی. تنهای تنهایم.  
عکست را بروی جلد بوسیدم ای شهید آماده رفتن و دوست ندیده‌ام که بهترین دوستت را در کنارم از دست دادی. امیدوارم سربلند و زنده باشی تا مردم ایران در زمین همانند دب اکبر در آسمان نشانی خدا را از تو بگیرند و به تماشایت بنشینند.

برادر جامانده‌ات

قاسم سلیمانی

۹۶/۱/۳۰

# اقدام خونخواهی

پیش‌فرض‌های اصلی اندیشه اقدام

1. خونخواه اصلی خون سردار باید اولا دولت و مجلس، دوما مردم و سوما سپاه باشد، نه اینکه همه چشم به عکس‌العمل سپاه بدوزند.
   1. رد تصور اینکه سپاه قرار است با زدن پایگاه‌های آمریکایی بهانه جنگ به دست دشمنان داخلی و خارجی دهد. (گفتمان دوگانه جنگ و صلح و ماهی گرفتن به نفع انتخابات مجلس و دولت)
   2. اگر هزار سلیمانی هم در عراق شهید بدهیم، اگر قرار بر بهانه ندادن باشد، عکس العمل سخت نخواهیم داشت.
   3. سپاه در خاک آمریکا در صورت مطالبه مردم، به آمریکا سیلی خواهد زد نه در خاک کشوری ثالث که شبهه دعوای حیدری نعمتی در آن به واسطه رسانه‌ها زیاد است.
   4. سپاه در صورت شکلگیری مطالبه مردمی، آن را تضمین می‌کند؛ از طریق تهدیدهای مهلت‌دار.
2. توان سپاه باید ابتدائا صرف پای کارآوردن دولت و مردم و هدایت این توان باشد.
   1. اولین اقدامات حکومتی باید از طریق دولت انجام شود و سپاه مصرانه پیگیر آن باشد.
   2. جهت‌دهی به تجمعات، تظاهرات، نوشته‌ها، پوسترها و .... مردمی جهت تحقق مطالبات مردم ایران و عراق
   3. تعریف کارهای مشخص و خرد برای روشن بودن عملیات آتش به اختیارها در پازل برنامه سپاه
3. مردم عراق هنوز به طور دقیق ماهیت آمریکا را نمی‌شناسند
   1. روایت صحیح از ماجرای حضور آمریکا در ایران و خارج کردن آن با سقوط دست‌نشانده آنها و تجربه‌ای برای خارج کردن همان آمریکا پس از 40 سال در عراق در گام دوم
   2. رسانه‌های فراوان دشمن حضور ایران در عراق را منفعت‌طلبی ایران ترسیم کرده‌اند. تبیین درست اینکه شهدای ایرانی در عراق و سوریه و در راسشان سردار سلیمانی، هزینه بیدار شدن مردم عراق است نه منفعت‌طلبی ایران؛
4. آمریکا به عنوان عنصر ناامن کننده هرجا
   1. مردم عراق بدانند که آمریکا اگر از سد حشد و مدافعان حرم بگذرد، از خون مردم عراق حمام خون راه می‌اندازد. همان کاری که ابن زبیر با لشکر تسلیم شده مختار کرد.
   2. زائران اربعین بدانند که اگر جلوی این اتفاقات توسط مردم عراق گرفته نشود، دیگر روی زیارت را نخواهند دید و اثری از حرم‌های مطهر باقی‌ نخواهد ماند.

تولید فناوری اخراج آمریکا از کشورهای مستقل

شهادت حاج قاسم که از الطاف خفیه الهی بود، آغازگر فصل جدیدی در پیروزی جبهه حق علیه استکبار شد. هرچند آمریکا در دورتادور ایران، ترکیه، افغانستان، پاکستان، گرجستان، ارمنستان، بحرین، امارات، عربستان، عراق، عمان، کویت و قطر پایگاه دارد، اگر مردم ایران هشیار باشند که هستند و نخبگان به درستی عمل کنند، در این فصل، خروج آمریکا از عراق رقم خواهد خورد و فناوری خروج آمریکا از کشورها ارتقاء یافته و قابلیت صدور پیدا می‌کند. برای این اتفاق چند راهبرد اساسی نیاز است:

* تجمیع عزم مردم عراق برای مطالبه خروج آمریکا از کشورشان و فشار به دولتمردان و نخبگان عراق برای انجام این اتفاق.
* تجمیع عزم مردم ایران برای مطالبه از دولتمردان و نخبگان برای رسوایی آمریکا در فضای بین‌الملل و ایجاد فضای رسانه‌ای گسترده و توجیه مردم عراق و سایر کشورها از زشتی حضور نیروی مستکبر بیگانه در خاک کشورشان.
* تهدید سپاه به امنیت نداشتن نیروهای آمریکایی در عراق بعد از گذشت مهلت سه ماهه.
* تهدید حشد به اجازه پرواز نداشتن هیچ هواپیمایی برای آمریکاییان در آسمان عراق.
* تجهیز حشد به سامانه‌های موشکی برای اثبات عملیاتی بودن تهدید ممنوعیت پرواز.

زندگی نامه ها

[**نگاهی به زندگینامه سپهبد شهید قاسم سلیمانی**](https://bojnourd.iqna.ir/fa/news/3868517/%D9%86%DA%AF%D8%A7%D9%87%DB%8C-%D8%A8%D9%87-%D8%B2%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D8%B3%D9%BE%D9%87%D8%A8%D8%AF-%D8%B4%D9%87%DB%8C%D8%AF-%D9%82%D8%A7%D8%B3%D9%85-%D8%B3%D9%84%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86%DB%8C)

دوران جنگ

عملیات موثر در والفجر8 و کربلای 5

با پیشنهاد شفاهی سردار شهید حسن باقری، تیپ جدیدی از نیروهای کرمان را تشکیل داد که اندکی بعد در زمستان سال ۶۱ به لشکر ۴۱ ثارالله ارتقا یافت که شامل نیروهایی از کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان می‌شد.

وی در طول دوران دفاع مقدس، با لشکر تحت‌ امر خود در عملیات‌های زیادی از جمله، والفجر ۸، کربلای ۴، کربلای ۵ و تک شلمچه حضور موثر داشت.

لشگر خط شکن جنگ

لشکر ۴۱ ثارالله را باید جزو لشکرهای خط شکن سپاه در سال‌های دفاع مقدس نامید که نیروهای آن نقش بسزایی در عملیات‌های بزرگی مثل والفجر۸، کربلای۵ و... داشتند. اگر برای بسیاری از همرزمان قاسم سلیمانی، جنگ در تابستان سال ۶۷ به پایان رسید، ولی برای او آغاز دوران جدیدی در میادین نبرد بود.

بعد از جنگ

مبارزه با اشرار

وی به واسطه حضور در مرزهای شرقی و سابقه مبارزه با اشرا و باندهای مواد مخدر در مرزهای ایران و افغانستان، در سال ۱۳۷۶ از سوی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، فرماندهی کل قوا از کرمان به تهران فراخوانده و مسئولیت نیروی قدس سپاه به او سپرده شد.

تقویت حزب الله و گروه های مبارز فلسطینی

نقش آفرینی در جنگ 33 روزه لبنان و 22 روزه غزه علیه اسرائیل

از جمله نقاط درخشان فرماندهی سردار سلیمانی بر نیروی قدس، تقویت حزب‌الله لبنان و گروه‌های مبارز فلسطینی بود که نمود عینی آن را در نبردهای متعددی ازجمله جنگ ۳۳روزه حزب‌الله لبنان و رژیم صهیونیستی و پیروزی مبارزان فلسطینی در جنگ ۲۲ روزه غزه علیه ارتش مجهز اسرائیل دیدیم.

در واقع قاسم سلیمانی توانسته بود استراتژی جمهوری اسلامی یعنی کمک به گروه های مبارز علیه اسرائیل را به خوبی دنبال کرده و هر روز در این مسیر گام های دیگری بردارد.

قاسم سلیمانی در سال ۱۳۸۹ با حکم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرمانده معظم کل قوا با یک درجه ارتقا به درجه سرلشکری نائل آمد اما هنوز هم در افکار عمومی همه او را «حاج قاسم» می‌خوانند.

فرماندهی عملیات علیه داعش

اما این پایان ماجرا نبود. با توطئه جدید غرب و پشتیبانی مالی کشورهایی مانند عربستان سعودی، که به شکل‌گیری گروهک‌های تروریستی تکفیری اعم از داعش و جبهه‌النصرة در منطقه انجامید، قاسم سلیمانی ماموریتی تازه یافت و آن هم مقابله با این تهدیدات در دو کشور عراق و سوریه بود.

تدبیر ایجاد حشدالشعبی در عراق و قوات دفاع وطنی در سوریه

سلیمانی در عراق «حشد الشعبی» و در سوریه «بسیج مردمی» (قوات دفاع وطنی) را شکل داد و با کمک آنها و هدایت و مشاوره نیروی قدس سپاه، طی ۶ سال، بساط تروریست‌ها در این دو کشور تقریبا جمع شد.

همراه سازی روسیه در اهداف منطقه ای مقاومت

در واقع باید این طور گفت که او و نیروهایش که با درخواست رسمی دولت‌های سوریه و عراق، به این دو کشور رفتند، مانع سقوط دمشق و بغداد شدند و هم او بود که با سفر به مسکو، نقش بسزایی در همراه کردن روسیه و پوتین برای ورود به میدان نبرد سوریه داشت.

تقویت حلقه مقاومت در منطقه و توسعه زنجیره آن

شاید یکی از اهداف اصلی دشمنان برای سقوط سوریه، قطع کردن ارتباط ایران و حزب‌الله لبنان بود ولی با شکست داعش و نقش آفرینی نیروی قدس در سوریه و عراق، یک حلقه مستحکم به نام حلقه مقاومت تشکیل شد و زنجیره ایران، عراق، سوریه و لبنان و فلسطین را به هم متصل کرد.

تشکیل لشگری چند ملیتی و چند مذهبی از فاطمیون، زینبیون و حیدریون و...

جای تردید نیست که این موضوع خلاف خواست آمریکا و اسرائیل است ولی با فرماندهی «قاسم سلیمانی» در عمق میدان و تشکیل بسیج مردمی در سوریه و عراق این موضوع به واقعیت بدل گشت و اتحادی از جنس پاسداران، فاطمیون، زینبیون، حیدریون و... ایجاد کرد.

نقش بی‌بدیل سردار سلیمانی در مدیریت منطقه و مقابله با دشمنان، القابی چون «شبح فرمانده»، «قدرتمندترین فرد خاورمیانه» و «کابوس اسرائیل» را از سوی آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها، برای او به دنبال داشته است.انتهای پیام

# خصوصیات سلیمانی

**صادق**

کسی در کردستان نیست که قاسم سلیمانیرا بشناسد و از او تعریف نکند. چون صادق است.وقتی قول می‌دهد پای حرفش می‌ایستد. ما هر وقتدر اینجا مشکلی داشته باشیم و بخواهیم با وزیر یا حتیرئیس جمهور ایران دیدار کنیم، فقط از طریق ایشان می‌توانیم سریع به هدف برسیم. اگر بگوییم که ملاقات می‌خواهیم و ایشان بداند که موضوع ضروری است، همان موقع شرایط را فراهم می‌کند. ما در کردستان پادگان کومله و دموکرات و تشکیلات دیگر داریم. در مرز ایران هم که پ.پ.ک و پژاک را داریم. ما با ایران و همه کردها توافق کرده‌ایم که نه آنها از زمین‌های ما به ایران حمله کنند و نه ایران از زمین‌های ما برای حمله نظامی علیه آنها استفاده کند. حضور آقای سلیمانی به عنوان نماینده ایران سبب شد که این توافق صورت بگیرد. اگر صداقتی در کار نباشد، با یک نارنجک در دفتر این دو تشکیلات همه توافقات به هم می‌ریزد و این به لطف سیاست ایرانی‌هاست که اتفاق نمی‌افتد.

**مسوولیت پذیر**

او راهش را خیلی خوب می‌شناسد و همیشه نقشه راه درستی ترسیم می‌کند. شاید به همین دلیل است که سال‌‌ها

در مسوولیتش باقی مانده. آیت الله خامنه‌ای رهبر ایران او را شهیده زنده خوانده‌اند. شهید زنده زیاد است اما دلیلی وجود دارد که او را همه می‌شناسند و سایرین را نمی‌شناسند. این دلیل می‌تواند از مسوولیت پذیری‌اش باشد.

**مجاهد**

آقای سلیمانی درون کاخ نیست، درون هتل‌های مجلل نیست. این طور نیست که بنشیند و دستور بدهد. حضور ایشان

همیشه در میدان است. همین مجاهدتش را نشان می‌دهد.

**شجاع**

چه بگویم؟ نترس است. برای مأموریت‌های کاری‌اش همیشه از همین خصوصیت استفاده می‌کند. یکی از اسرار

پیروزی و شهرت او همین شجاعت است. ضمن اینکه او اقدامات لازم را در وقت لازم انجام می‌دهد. بگذارید اینطور توضیح بدهم. وقت‌هایی هست که یک کار فقط در یک لحظه انجام می‌شود. یعنی شما یک جا باید کاری بکنید که بزنید توی خال. قاسم سلیمانی اینقدر شجاع هست که در این لحظات این تصمیمات را بگیرد. این شناخت کلی من در مورد سلیمانی است.

**خاکی و بي‌غش**

سلیمانی خاکی است. نمی‌خواهم و نمی‌توانم مثال‌های امنیتی بزنم تا بهتر ماجرا را بدانید. حتی ممکن است بعضی کردها با خواندن حرف‌های من بگویند دباغ شده نماینده سلیمانی. برای من اهمیتی ندارد به خاطر اینکه حقیقت را می‌گویم. من با رفت وآمدهایی که به ایران داشته‌ام و با مسوولانی که آشنا هستم، ندیدم هیچ مسوولی به اندازه او خاکی باشد. من در سفرهای زیادی با ایشان همراه بودم. اما همیشه رفتار طوری بوده که انگار من مسوول ایشان و مقام بالاتری از ایشان هستم. کلا طوری رفتار می‌کند و می‌نشینند که اگر او را نشناسید، در یک جمع به هیچ‌وجه نمی‌توانید پیدایش کنید.

**آرام**

من جلسات زیادی با حضور حاجی برگزار کردم. از زمانی که نماینده آقای طالبانی بودم، تقریبا در همه جلساتی که مربوط به عراق بوده و با تشکیلات مختلف حضور داشتم. آرامش ایشان را فقط باید در جلسات ببینید. او به شکلی باورنکردنی آرام است. نمی‌دانم چطور بیشتر توضیح بدهم.

**سریع**

او در عمل و سخن گفتن، بسیار سریع است. حرف و حدیثش را طول نمی‌دهد. نمی‌دانم شما به آن چه می‌گویید.

حرف زدن حاجی این طور است؛ سریع، مختصر و مفید. وقتی در یک جلسه‌ای می‌نشینید هرکسی می‌آید و تحلیل و تفسیر خودش را اضافه می‌کند که بعضا تکراری هم می‌شود. اما ایشان وقتی وارد تفسیر می‌شود، سریع است مختصر و مفید، جمع بندی هم دارد.

هفته‌نامه همشهری جوان، پرونده ویژه‌ سردار قاسم سلیمانی، شنبه 17 آبان ماه 1393، سال دهم، شماره 480، صفحات 62 و 63.

**8**

**ویژگی فرماندهی ایشان در جنگ سوریه بپردازم. ( سردار نوعی اقدم)**

توکل به پروردگار متعال

اولین موضوعی که در فرماندهی سردار سلیمانی تجلی داشت و خود را به رُخ می‌کشید، توکل به پروردگار متعال و توسل به اهل بیت علیهم السلام بود. فرماندهی حاج قاسم در به‌کارگیری توان‌ها، غیرفیزیکی بود. او بیشتر بر ایمان و اعتقادات تاکید داشت و آن را محور قرار می‌داد. سردار سلیمانی بیش از همه، فرهنگ و ادبیات مقاومت را به کار می‌گرفت تا ابزار را. به نظر من ایشان اعتقاد داشت که فرمانده کل قوا در سوریه، حضرت زینب (س) بود و او برای انجام امور فرماندهی از ایشان فرمان می‌گرفت.

حاج قاسم وقتی به درب حرم حضرت زینب (س) می‌رسید، زانو به زمین می‌زد، آستان حرم را می‌بوسید و سپس وارد حرم می‌شد. این ویژگی از مشخصات ممتازی است که فرماندهان ارتش‌های دنیا ندارند. اگر در یک کلمه بخواهم بگویم که سردار سلیمانی چگونه پیروزی‌ در جنگ با داعش را به دست آورد، باید گفت که خدا آن پیروزی‌ را به سردار سلیمانی داد. توکل و توسل او در تمامی شرایط باعث پیروزی او شد.

دشمن شناسی عملیاتی

دومین ویژگی سردار سلیمانی دشمن‌شناسی عملیاتی است. سردار سلیمانی ادبیات و شیوه‌های دشمن را به دقت می‌شناخت. او رفتار دشمن در برابر حرکات ما را پیش‌بینی می‌کرد و تشخیص می‌داد. لذا طرح‌ریزی عملیات‌ها را به‌گونه‌ای انجام می‌داد که با هر اقدام احتمالی دشمن، بتوانیم پاسخ محکمی بدهیم. اگر قرار بود به منطقه‌ای حمله شود، عکس‌العمل احتمالی دشمن را تشخیص و در طرح‌ریزی‌ پیش از حمله مدنظر قرار می‌داد. بنابراین باید بگویم که سردار سلیمانی از نبوغ خاصی در طرح‌ریزی عملیاتی برخوردار است.

قبول خطر و برداشتن گام های بلند

سومین موضوع در فرماندهی سردار سلیمانی، قبول خطر و برداشتن گام‌های بلند است. باتوجه به اینکه در جنگ سوریه، مسلحین با مردم ارتباط داشتند و به‌کارگیری تاکتیک غافلگیری اطلاعاتی در عملیات‌ها به خوبی جوابگو نبود، سردار سلیمانی عملیات‌هایی را طراحی می‌کرد که نیروهای خودی ضمن ناامن ساختن عقبه دشمن، می‌توانستند به عمق نیروهای دشمن نفوذ کنند. او در جنگ سوریه اگرچه از تجارب و درس‌های دفاع مقدس استفاده کرد، اما دفاع متفاوتی را به نمایش گذاشت که مبتنی بر همین ویژگی بود.

فرماندهی در صحنه نبرد

چهارمین ویژگی فرماندهی سردار سلیمانی، فرماندهی در صحنه نبرد و یا به عبارت دیگر فرماندهی از نزدیک است. سردار سلیمانی در سوریه مدام در صحنه‌های نبرد و درگیری حضور داشت. این حضور تنها مختص شرایط عادی نبود، بلکه در شرایط سخت حضور بیشتری در جبهه‌ها و خطوط مقدم داشت. در هیچ یک از ارتش‌های دنیا نداریم که بالاترین رده فرماندهی در جلوترین نقطه‌ نبرد آن هم در شرایط سخت حضور پیدا کند و نیروهای خودی را برای تسلط بر دشمن فرماندهی کند.

فرماندهی نیروهای متحد مقاومت

پنجمین ویژگی به‌کارگیری نیروهای متحد مقاومت بود. تمامی سلیقه‌ها، فرهنگ‌ها، ادبیات‌ها و حتی عقیده‌ها در بین نیروهای سردار سلیمانی حضور داشتند. در میان نیروهای تحت امر حاج قاسم شیعیان، اهل تسنن، مسیحیان و... حضور داشتند. او همه آن‌ها را در یک قالب و برای یک هدف مشترک سازماندهی می‌کرد، در شرایط سخت به صحنه می‌آورد و مدیریت می‌کرد.

شهامت، ایثار و ازخودگذشتگی

ششمین ویژگی سردار سلیمانی در صحنه نبرد، به نمایش گذاشتن شهامت، ایثار و از خودگذشتگی بود. سردار سلیمانی با این روحیه، رعب قدرت نیروهای خودی را دل دشمن می‌انداخت و نیروهای خودی را قوی‌دل و ایمانشان را مضاعف می‌کرد. رفتارهای سردار سلیمانی که تجلی ایثار، شهامت و شجاعت بود، دشمن را به وحشت می‌انداخت. در نتیجه این نمایش در بدنه نیروها در لحظه هجوم و مقاومت تسری پیدا می‌کرد. این ویژگی روحیه دشمن را به شدت تخریب می‌کرد و روحیه نیروهای خود را تقویت می‌کرد.

فرماندهی بر قلوب

فرماندهی بر قلب‌های نیروها هفتمین ویژگی فرماندهی سردار سلیمانی است. نه تنها ایرانی‌ها که ملت‌های مسلمان منطقه به شدت به سردار سلیمانی عشق می‌ورزند و او بر قلب‌ها فرماندهی می‌کند.

استقامت در شرایط سخت

و در نهایت هشتمین ویژگی فرماندهی سردار سلیمانی، استقامت در شرایط سخت است. او در سخت‌ترین شرایط بر خود و اطرافیانش مسلط می‌شد و فرماندهی مطمئن اعمال می‌کرد. یک روز ایشان به بنده گفتند که اگر در هر سطحی هواپیمای آمریکایی را دیدید، با هرچه در توان دارید به سویش شلیک کنید، هرچند که می‌دانید که گلوله‌تان به آن هواپیما نمی‌رسد. چراکه خلبان آن جنگنده شما را می‌بیند و وقتی که می‌بیند فرار نمی‌کنید، او وحشت می‌کند و می‌داند که شما اهل ایستادگی و نبرد هستید و شکست‌ناپذیرید.

نظیر فرماندهی سردار سلیمانی در هیچ کدام از ارتش‌های دنیا دیده نمی‌شود. نفس او الهام گرفته از ایمان به اهل بیت (ع)، امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب اسلامی است. افتخار می‌کنیم که فرمانده قهرمان ما اعتقادی است. او فرماندهی مخلص است که اخلاق‌مدارانه فرماندهی می‌کند.

عشق و ارادت ایشان به مکتب امام حسین (ع) و حضرت زینب (س) بی نظیر بود. به طوری که علاوه بر توسلات روزانه هر روز زیارت عاشورا می‌خواند و هفته‌ای یک مرتبه جلسه‌ روضه‌ با وجود مشغله‌های زیاد در منزل ایشان برپا بود. به طوری که حتی در زمان‌های ماموریت نیز تماس می‌گرفت و پیگیر این جلسات هفتگی بود.

وی ادامه داد: شهید سلیمانی بسیار اهل مطالعه بود و در مسیر ماموریت‌ها و با وجود خستگی‌ بخش زیادی از مطالعه‌ خود را انجام می‌داد.

هم رزم شهید سلیمانی بیان کرد: آن شهید در اوج اقتدار و صلابت در جبهه نبرد و جنگ، در اوج رحمت تواضع، عطوفت و مهربانی با مومنین، دوستان و اهل خانه بود و این‌ها از الطاف مکتب اهل بیت (ع) است.

حجت‌الاسلام رضایی با بیان این که شهید سلیمانی همچون حضرت اباعبدالله (ع) و حضرت زینب (س) هیچ وقت در مسیری که انتخاب کرد سرگردان و پشیمان نشد اظهار کرد : یکی دیگر از ویژگی‌های حاج قاسم همراهی با رهبر و امام از ابتدا تا انتها بود. که از همان ابتدا ارادت قلبی به امام راحل داشت و تا آخر در تبعیت و اطاعت از رهبری ایستاد و به دنبال تکلیف بود. تا هر آنچه برایش مکلف شده انجام دهد.

وی ادامه داد: شهید سلیمانی سوخته برخی نکات بود که یکی روضه‌ امام حسین (ع) بود به طوری که هر وقت روضه‌ای می‌شنید آنقدر اشک و سوگ متمادی داشت و دیگری هر وقت درباره‌ امام عصر (عج) صحبت می‌شد در فراق ایشان اشک می‌ریخت.

همرزم شهید سلیمانی عمق و لطافت فکری را از دیگر ویژگی‌های ایشان برشمرد و آنها را ثمره اخلاص وی عنوان کرد و گفت: هر کس مخلص باشد و برای خدا کار کند و حاج قاسم سلیمانی به خاطر همین اخلاص در عین صلابت و با وجود بحران‌های متعدد آرامشی خاص داشت و برای آنها تدبیر می‌کرد که این به واسطه توکل و اخلاص به وجود آمده بود.

وی خاطر نشان کرد: زندگی ساده، بی‌تکلف  و بدون تشریفات حاج قاسم سلیمانی و مردمی بودن او یکی دیگر از ویژگی‌های آن شهید است که این ویژگی‌ها می‌تواند برای بسیاری از مسئولان ما الگو و اسوه باشد.

**پیام قوچانی**

سردار ملی ایران رفت ...

یکی از نسل سرداران تاریخ ایران: شهیدی زنده در میان ما که سی سال پس از پایان جنگ به شهادت رسید.

انگار ابراهیم حاتمی کیا می‌دانست: وقتی در" بادیگارد " شمایلی از حاج قاسم را ساخت و در پایان‌بندی او را فدیه ملت ایران نشان داد برای دفاع از شخصیت نظام به جای اشخاص نظام. حاج قاسم اما همان شخصیت نظام بود. سرداری که در لباس‌های رسمی و جناح‌های سیاسی نمی‌گنجید.

سرباز و سرداری مادرزاد بود و سرباز، فرزند ملت است و نه پیاده نظام این جناح و آن جناح. بزرگ بود. بزرگتر از سیاست داخلی. تا جایی که با همه ارادت اصولگرایان به او، دوستان اصلاح طلبش را فراموش نمی‌کرد و برای مولفه قلوبهم می‌کوشید. کمتر اصلاح‌طلبی بود که به حاج قاسم احترام نگذارد و عده‌ای از اصولگرایان هم بودند که می‌گفتند او را فقط در سیاست خارجی قبول دارند، نه سیاست داخلی.

گویی حاج قاسم فقط برای شهادت خوب بود! و البته خودش هم برای شهادت می‌کوشید چون اهل" سیاست بازی" و کاسبی سیاسی نبود. حاج قاسم اما چریک هم نبود. ژنرال چهارستاره‌ای بود که بر هر دو هنر جنگ و صلح مسلط بود. چریک برای جنگ، جنگ می‌کند؛ اما حاج قاسم برای صلح، جنگ می‌کرد. برای پیروزی بر جنگ.

او برای ایران می‌جنگید و برای ایمان و برای انسان و این هر سه در یک راه بودند. برای عمق راهبردی ایران دور از مرزهای میهن با دشمنان ایران جنگید تا ما همسایه داعش نشویم و در یکی از سخنرانی هایش گفت ما در سوریه برای انسان جنگیدیم. چه مسلمان، چه مسیحی، چه شیعه، چه سنی؛ وقتی روشن شد حکومت وحشت داعش از استبداد اسد بدتر است، گفت که ما با باور شخصی آدم‌ها و حتی احوالات دینی آنان کاری نداریم. ما به عنوان شیعه برای انسان مبارزه می‌کنیم.

حاج قاسم بنیاد گرا نبود چون به انسان فکر می‌کرد. به عنوان یک شیعه علی با همه ایمان و اخلاص به انسان فکر می‌کرد و به همین علت شهید مبارزه با خطرناکترین نوع بنیادگرایی و نیز امپریالیسم شد: داعش که نماد ارتجاع دینی بود و تردیدی نکنید که آمریکا در به شهادت رساندن حاج قاسم خطایی راهبردی کرد؛ چون او در عین شجاعت، سیاست داشت و آمریکا به زودی خواهد فهمید خاورمیانه بدون حاج قاسم برای امریکا غیر قابل پیش بینی تر خواهد بود. شهادت حاج قاسم محور وحدت ملی در ایران می‌شود.

حاج قاسم سیاست باز نبود اما سیاست دان بود و چه در درون ایران چه در بیرون ایران فقدان او یک خلا استراتژیک است که در درجه اول آمریکا فقدان آن را احساس خواهد کرد. ترامپ پشیمان می شود که حریفش را ناجوانمردانه حذف کرد.

**مرعشی**

#### [**مقاومت منطقه انتقام سختی از آمریکا خواهد گرفت/ترور حاج قاسم، یک شرارت بزرگ آمریکایی بود**](https://www.khabaronline.ir/news/1338122/%D9%85%D8%B1%D8%B9%D8%B4%DB%8C-%D8%B3%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B1-%D8%B3%D9%84%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D9%85%D9%88%D8%B1%D8%AF-%D8%A7%D8%B9%D8%AA%D9%85%D8%A7%D8%AF-%D9%87%D9%85%D9%87-%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%DB%8C%D9%88%D9%86-%D8%A8%D9%88%D8%AF-%D8%A7%D9%88-%D8%A8%DB%8C-%D9%86%D8%B8%DB%8C%D8%B1-%D8%AF%D9%88%D8%B1%D8%A7%D9%86)

# [مرعشی:سردار سلیمانی مورد اعتماد همه سیاسیون بود/او بی نظیر دوران بود](https://www.khabaronline.ir/news/1338122/%D9%85%D8%B1%D8%B9%D8%B4%DB%8C-%D8%B3%D8%B1%D8%AF%D8%A7%D8%B1-%D8%B3%D9%84%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D9%85%D9%88%D8%B1%D8%AF-%D8%A7%D8%B9%D8%AA%D9%85%D8%A7%D8%AF-%D9%87%D9%85%D9%87-%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%DB%8C%D9%88%D9%86-%D8%A8%D9%88%D8%AF-%D8%A7%D9%88-%D8%A8%DB%8C-%D9%86%D8%B8%DB%8C%D8%B1-%D8%AF%D9%88%D8%B1%D8%A7%D9%86)

حسین مرعشی، سخنگوی حزب کارگزاران گفت:

سردار سلیمانی یک ویژگی شاخص داشت و آن این بود که با همه گروه‌ها و جناح‌ها و نحله‌های فکری ایران با احترام برخورد می‌کرد و همواره خواسته‌اش گسترش و افزایش وحدت برای پیشبرد کشور بود.

**«هرچند سردار سلیمانی به آرزویش رسید اما راه او متوقف نشده است.»**

**«ابتکارات راهبردی و تاکتیکی سردار سلیمانی کمک بزرگی به جریان مقاومت کرد»**

**و مقاومت منطقه انتقام سختی از آمریکایی ها خواهد گرفت.**

**«سردار سلیمانی با همه جناح ها و نحله های فکری با احترام برخورد می کرد و سیاسیون هم برای او احترام ویژه قائل بودند.»**

\*\*\*\*

به دلیل ابتکاراتی که داشت که هم شامل مدیریت راهبردی و هم مدیریت تاکتیکی می‌شد توانست به جریان مقاومت در خاورمیانه کمک بزرگی بکند.

سردار سلیمانی دارای ویژگی‌های شخصی والایی داشت که مسوولیت‌پذیری، شجاعت، افتادگی از جمله آنها بود. ایشان ارتباط خوبی با زیردستان و همرزمان خود و همچنین خانواده‌های شهدا داشت.

یک مدیریت چند بعدی در عرصه نظامی‌، فرهنگی و اجتماعی برخوردار بود و به جرات می‌توان گفت یکی از انسان‌های بی‌نظیر دوران ما بود و قطعا جایگزینی نخواهد داشت و قطعا به این زودی‌ها  جایگزینی برای او وجود نخواهد  داشت.

ترور سردار سلیمانی، یک شرارت بزرگ آمریکایی بود

این حادثه یک شرارت بزرگ آمریکایی‌ها بود؛ آنها چون ناتوانی‌شان در خاورمیانه مسجل شده است و به قول معروف کم‌ آورده‌اند چراکه بعد از استقرار نظام جمهوری در عراق تا امروز هیچ‌گاه نتوانسته‌اند از طریق انتخابات و پارلمان بر عراق مسلط شوند واین همواره مردم عراق بوده‌اند که توانسته‌اند اراده خود را در حاکمیت عراق ساری و جاری کنند و این موضوع موجبات عصبانیت آمریکایی‌ها را فراهم کرده است. آنها فکر می‌کردند با ظهور پدیده‌ای مانند داعش دولت های عراق به دامن آمریکا بغلتند درحالی‌که با وجود مستشاران سردار سلیمانی عراقی ها توانستند خودشان داعش را نبود کنند و نیازی نداشتند برای از بین بردن این گروه تروریستی به دامن آمریکایی‌ها بغلتند.

مستشاری سردار سلیمانی در عراق، ضامن استقلال در این کشور شد

به عبارت دیگر باید گفت مستشاری سردار سلیمانی در عراق ضامن استقلال عراق شده بود و آمریکایی‌ها یک عراق مستقل را نمی‌پسندند و به دنبال یک عراق وابسته به آمریکا هستند و این روزها که خشم مردم عراق هم ظاهر شده است به این فکر کردند که باید نقطه‌ای را بزنند که این نقطه کمک می‌کند به استقلال عراق.

سوریه یک یاور بزرگ را از دست داد

امروز نه تنها ما یک سردار بزرگ را از دست دادیم بلکه ملت و دولت عراق نیز یک مستشار عالی‌رتبه‌ای که ضامن استقلال عراق بودند را از دست دادند و همچنین سوریه نیز یک مستشاری که پشتوانه تمامیت ارضی سوریه  در واپسین روزهای پایانی جنگ سوریه بود و همچنین یک یاور را از دست داد.

**سردار سلیمانی سالها در آرزوی شهادت بود**

البته من این نکته را بگویم که با توجه به شناختی که از ایشان دارم و صمیمیتی که با ایشان داشتم می‌دانم سال‌هاست که سردار سلیمانی در آرزوی شهادت است. لذا به لحاظ شخصی ایشان به آرزوی خودش رسید و دوستان و خانواده ایشان علاقه سردار سلیمانی به شهادت را می‌دانستند و استقبال ایشان از خطر روشن بود و از این جهت باید گفت این سردار بزرگ به آرزوی خودش رسید.

**مگر کشور با ترورهای دهه ۶۰ تعطیل شد؟ /مسیرمان را با شهادت سردار سلیمانی رها نمی کنیم**

اما به طور کلی باید گفت مسیر مسیر روشنی است و تعطیل‌بردار هم نیست؛ ما سال‌هاست با چنین حوادثی روبه‌رو بوده‌ایم و هیچ‌کدام نتوانسته است ما را از پا دربیاورد. مگر ترورهای سال‌های ۶۰ را فراموش می‌کنیم؟ مگر رئیس قوه قضائیه و نمایندگان مجلس را ترور نکردند؟ مگر آقای رجایی و باهنر رئیس جمهور و نخست وزیر را ترور نکردند؟ مگر آیت الله خامنه‌ای را ترور نکردند و ایشان مدتی در بیمارستان بستری نبودند؟ آیا کشور تعطیل شد یا حرکت متوقف شد؟ این مسیر مسیری نیست که ملت‌ها به دلیل شهادت شخصیت‌های بزرگی مانند سردار سلیمانی  آن را رها کنند این مسیر مسیری است که همچنان ادامه دارد تا به یک نقطه روشن برسد و آن نقطه روشن این است که آمریکایی‌ها بفهمند در منطقه این مردم هستند که تصمیم می‌گیرند نه آنها.

**آمریکایی ها متوجه خواهند شد نمی توانند برای مردم خاورمیانه تصمیم بگیرند**

یعنی باید به نقطه‌ای برسیم که آمریکایی‌ها متوجه بشوند نمی‌توانند از فرسنگ‌ها دور برای مردم خاورمیانه تصمیم بگیرند. سرنوشت این منطقه را مردم مشخص می‌کنند و نیروهای خارجی لطف کنند و شرشان را از سر منطقه کم کنند و اجازه دهند مردم خودشان سرنوشت خودشان را به دست بگیرند. ما تا آنجا که مردم خاورمیانه بتوانند سرنوشت منطقه را به دست بگیرند تا رسیدن به آن نقطه مبارزات ادامه خواهد داشت تا در نهایت با رفع مزاحم‌های منطقه، خاورمیانه روی صلح و آرامش را ببیند.

**مقاومت منطقه از آمریکایی ها انتقام سختی خواهد گرفت**

آمریکایی‌ها به اندازه کافی در منطقه آسیب پذیر هستند و لازم نیست ما اقدام خاصی انجام بدهیم. به هر حال سردار سلیمانی در جبهه مقاومت منطقه‌ای دارای جایگاهی بوده است که بدون نیاز داشتن به طراحی اقدامات خاصی از سوی ایران بدون شک مقاومت منطقه از امریکایی‌ها انتقام سختی خواهد گرفت.

**سردار سلیمانی با همه جناح ها و نحله های فکری با احترام برخورد می کرد**

من خاطرات زیادی از ایشان دارم که بیشتر مربوط به زمان جنگ است، همان زمانی که ایشان فرمانده لشکر کرمان بودند و من هم معاون استاندار کرمان بودم. من همیشه در عملیات‌های مختلفی که وجود داشت همراه بچه‌ها بودم لذا خاطرات فراوانی دارم اما درباره خاطرات اخیر باید بگویم سردار سلیمانی در همه این ادواری که با ایشان بودم یک ویژگی شاخص داشت و آن این بود که با همه گروه‌ها و جناح‌ها و نحله‌های فکری ایران با احترام برخورد می‌کرد و همواره خواسته‌اش گسترش و افزایش وحدت برای پیشبرد کشور بود.